

جوخه‌های اعدام در کارند

مبارزه خود را برای نجات جان زندانیان سیاسی شدت بخشیم

● قائم مقام وزارت اطلاعات، "عده‌ای از عوامل و کادرهای فدائیان (اکثریت) شناسایی و دستگیر شده‌اند که بیش از ۷۰۰ تن بوده‌اند." (کیهان-۲۸ اسفند ۶۵)

موضوع روشن است: فداییانی که به اسارت رژیم افتاده‌اند و دیگر انقلابیونی که در زندانها به سر می‌برند، در معرض خطر اعدام قرار دارند و بخشی از اینان در اواخر سال گذشته به جوخه اعدام سیرده شده‌اند.

مصاحبه مقتدایی که در آن خبر داده شده عده‌ای دیگر از زندانیان اعدام شده‌اند، دو روز پیش از مصاحبه قائم مقام وزارت اطلاعات (ساواک ج.ا.ا) که در آن به یورش متمرکز علیه سازمان ما اعتراف گشت، صورت گرفته است. ما اظهارات این دو تن از مهره‌های رژیم جنایتکار خمینی را در ارتباط تنگاتنگ بایکدیگر می‌دانیم. اکنون توطئه "سركوب در تاریکی" به شکست ناکزیری دچار شده است و رژیم، جنایتکاریهای دیگری را علیه سازمان ما تدارک می‌بیند. بقیه در صفحه ۷

● مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی،

"دادگاههای انقلاب با گروهکهای ملحد و ملسد، با قاطعیت برخورد کرده بطوریکه در هفته گذشته تعدادی از آنها در تهران و شهرستانها اعدام شده و بعضی به حبس‌های طولی‌المدت محکوم شده‌اند." (کیهان-۲۶ اسفند ۶۵)



دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۶۶ برابر ۱۲ آوریل ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۵۲

شاه و شیخ: در ایران زندانی سیاسی نداریم

ریشه یابی این ترجیح رذیلانه

شاه و شیخ از بسیاری جهات شبیه یکدیگرند. وقتی کارکرد اجتماعی آنها حفظ نظام اجتماعی سرمایه داری در جامعه پرتب و تابی همچون جامعه ما، باشد، طبیعتاً شیوه‌های حکمرانی شان نیز با یکدیگر مشابهت ماهوی پیدا می‌کند. هرچه از عمر حکومت شیخان می‌گذرد، آنها می‌آموزند که باید بیشتر و بیشتر رویه شاهان سلف را پیشه گیرند. اکنون در بسیاری از موارد سخن گفتنشان هم به یکدیگر می‌ماند. یک مورد آن هنگامی است که از زندانیان سیاسی سخن می‌گویند.

هرگاه از شاه مدفون می‌پرسیدند در ایران چند تن زندانی سیاسی وجود دارد و یا در زندانهای سیاسی شاه چه می‌گذرد، اعلیحضرت برآشفته می‌شد و بانگ می‌زد که ما در ایران اصلاً زندانی سیاسی نداریم، آنهایی که منظور شما هستند فقط یک شمت "خرابکار"ند.

شیخان نیز این شیوه پاسخگویی به پرسش در زمینه زندانیان سیاسی را آموخته‌اند به تجربه و با بر اثر تعمق در شیوه‌های سلف، فرقی نمی‌کند. تاکنون همواره مسئولین حکمرانی این ترجیح رذیلانه را تکرار کرده‌اند که ما هم مثل پیشینیان خود از اتهام داشتن زندان و زندانی سیاسی مبرایم! یک نمونه، اظهارات اخیر حجت-الاسلام انصاری رئیس سازمان زندانها در مصاحبه با کیهان هوایی ۵ فروردین است. این حجت-الاسلام دژخیم در مصاحبه خود با وقاحت ویژه

آخوندی می‌فرمایند: "ما در ایران کسی را به خاطر اظهار عقیده و دفاع از حقوق مردم، تا به حال زندانی نکرده‌ایم که زندانیان سیاسی داشته باشیم. تاکنون در زندان‌های ایران، به مفهوم متداول بین المللی حتی یک نفر زندانی سیاسی هم نداریم... بنابراین مطلقاً ما زندانی سیاسی نداریم!"
بقیه در صفحه ۲

کربلاهای خمینی کشتار می‌کند

● جمهوری اسلامی در منطقه بصره و جبهه میبانی دست به حمله زد

روز دوشنبه ۱۷ فروردین خبرگزاری جمهوری اسلامی آغاز عملیات کربلای ۸ را اعلام کرد. چهار روز پس از آن خبر انجام عملیات کربلای ۹ انتشار یافت. کربلاهای خمینی همچنان فرزندان میهنمان و مردم عراق را به خاک و خون می‌کشند.



ماشین جنگی خمینی به کل نشسته است

عملیات کربلای ۸ در منطقه شرق بصره و در غرب دریاچه ماهی صورت پذیرفت. به روال همیشگی، جمهوری اسلامی از بیروزی و پیشروی و در هم

بقیه در صفحه ۵

در این شماره

● خرم‌آباد از میان گزارشها و نامه‌ها:

تجسم ویرانگری رژیم، تجلی رزم مردم
در صفحه ۶

● در این هنگامه

"که زندانها از شبنم و شقایق سرشارند"

در صفحه آخر

● از حرف تا عمل

در صفحه ۲

● بوی خون پیچیده به هر سال و پند

شعری از م. کاوه

در صفحه ۷

نگاهی به لایحه بودجه سال ۱۳۶۶

بودجه سال ۶۶، بحران بزرگ شده

"توشیح" لایحه بودجه را از سوی فقهای شورای نگهبان اعلام کرد. بدین ترتیب، برنامه آنگونه که ترتیب یافته بود، خاتمه یافت. بودجه در واقع در بند، بند خود، در سیاه آمار و ارقام خود، بازتاب دهنده سیاستهای اقتصادی، پولی و مالی یک حکومت در راستای تحقق اهداف برنامه‌ای آن است. و چون چنین است می‌بایست محصول آمارگیری دقیق و برنامه‌ریزی حساب شده باشد. اما برنامه‌ریزی بقیه در صفحه ۱.

آن تبصره، فراتر نرفت. مدید زمانی است که نمایندگان از افشای "اسرار اقتصادی" نیز منع شده‌اند و در جلسات علنی مجلس از ابراز مخالفت آشکار با مخالفین خود تن می‌زنند. خود دانسته‌اند و یا وادارشان کرده‌اند که بدانند، که تضعیف علنی حریف، - در این برهه حساس - تضعیف کل رژیم اسلامی است. کار بدانجا کشید که با "قیام و قعود" چندی موضوع را فیصله دادند و دست آخر رفسنجانی رئیس مجلس خبر

در آخرین روزهای سال ۶۵، برده نمایش تصویب لایحه بودجه سال ۶۶ کل کشور، فرو افتاد. در تمام این چند روز، چشمان زل زده "تمثال ولی فقیه" نمایندگان مجلس شورای اسلامی را می‌پاشید، تا میادا امسال نیز بحث و فحص لایحه بودجه به عرصه‌ای از درگیریهای درون حکومتی بدل گردد. گرچه عده‌ای برسم سنوات، در هیات و مقام "مخالف" پیرامون لایحه بودجه سخن راندند، ولی هیچگاه مخالفتهایشان از حد این تبصره یا

شاه و شیخ: در ایران زندانی سیاسی نداریم

ریشه یابی این ترجیح و زیلانه

بقیه از صفحه اول

آری، "ما مطلقاً زندانی سیاسی نداریم!" آیا کافی است این ترجیح و زیلانه را صرفاً با وقاحت شاه و شیخ توضیح دهیم؟ بی گمان نه. موضوع را ریشه یابی کنیم.

جامعه ما چه در گذشته و چه اکنون، همواره انبیا تضادهای بوده است. در چنین جامعه ای که فاصله های طبقاتی فاصله دو دنیای مجزا از یکدیگر است، در چنین جامعه ای که غارت بر استثمار اقتصادی و اجتماعی علاوه می شود، در چنین جامعه ای که بی عدالتی در جای جای پیکرش داغ لعنت کوبیده است، جبر اقتصادی نمی تواند تنها بنیان نظام بهره کشی باشد (تجدیدتر از آنکه بگوییم چنانکه در هیچ جا نیست) و مساله تنها به حضور بلاواسطه و عریان جبر اقتصادی بر نمی گردد. آن یک می خواست، زاندارم منطقه باشد و این یک می خواهد با شوونیسم اسلامی خود بر "جهان اسلام" خلافت کند. آن یک می خواست ایران "مایملک" خود را به سوی "تمدن بزرگ" بکشاند و این یک می خواهد اسلام عزیز و سرمایه عزیز را درم آمیخته و خلافت سرمایه داری - اسلامی بر مچد و عظمتی را برپا سازد. جامعه و طبقات و اقشاری که آن را بر سرپا نگی می دارند، سرکشی می کنند و سرکوب ایدئولوژیک نمی تواند تضادها را خفه کند، چنانکه اشاعه شعار "خدا، شاه، میهن" آن یکی نتوانست و "روح منی خیمنی" این یکی نمی تواند، چنانکه شوونیسم آریایی - شاهنشاهی آن یک قادر نبود اذهان را تسخیر کند و شوونیسم اسلامی این یک نمی تواند اندیشیدن را ممنوع سازد، چنانکه "ماهوریت برای وطن" و "انقلاب سفید" آن یک کسی را نفریفت و "تحریر الوسیله" و "حکومت اسلامی" این یک نمی تواند و جوب تمکین به ستم و استثمار را در اذهان فرو کند، چنانکه جشنهای دو هزار و پانصد ساله، جشن هنر شیراز و بهمن و آبان آن یک نتوانست بر چهره کریهش رنگ و روغن زند و دسته های سینه زنی و نوحه خوانی و تعزیه گردانی این یک نمی تواند اذهان را از جهنم موجود به سوی بهشت موعود متوجه سازد، چنانکه لژیون خدمتگزاران بشر و جوانان رستاخیز آن یک، فریب را چانشین اندیشه نساخت و بسیج این یک نمی تواند فریب را حتی در فریب خوردگان

کثرتی میسکی سازد، چنانکه رادیو و تلویزیون، چنانکه مدرسه و دانشگاه، چنانکه کتاب و روزنامه، چنانکه... بنابراین تفنگ هم لازم است، تفنگ ابزار برتر است، زندان نیز، شلاق نیز، جوخه اعدام نیز و در یک کلام دستگامی برای سرکوب عریان آری، از کاربست عریانترین شکل سرکوب گریزی نیست.

در چنین جامعه ای، حاکمان خود را ناچار می بینند بر سر نیزه تکیه زند و حتی بارگاه خود را بر روی آن بنا نهند. منطق روشنی است، "حق" دارند! سرکوب نکنی، سرکوبت خواهند کرد. به زندان نمیکنی، بر دستانت زنجیر خواهند بست. معدوم نکنی، مدفونت خواهند کرد. در صف مقدم "نمایندگان" حکومت در جامعه، بوروکراتها و ممیزین مالیاتی قرار ندارند. باتومها و تفنگها پیشقراولند. اما باتومها و تفنگها نخست با چه کسانی در اصلکاک قرار می گیرند؟ پیشقراولان طغیان. نماینده حکومت، تفنگ است و نماینده جامعه مبارزین. بخشی از مبارزین در جریان رزم انقلابی خود به زندان می افتند. بنابراین در بیانی خاص تفنگ نماینده حکومت در محبت جامعه است و زندانی سیاسی نماینده جامعه در محبت حکومتی. از اینرو یک زندانی سیاسی، یک نماد است. نماد جامعه ای که می خواهد سر به طغیان بردارد. زندانی سیاسی نماینده انقلاب است، زندانی سیاسی انقلاب است! پیوند فشرده این دو مفهوم را در جریان انقلاب بهمین دیدیم و شعارهای حاکی از درم تنفیدگیشان را همگان شنیدیم.

آن کس که در سیاهچالها زنجیر بردست و پادارد، ظاهراً "آزارش" به کسی نمی رسد. پس چرا می کشندش؟ پس چرا این همه تقلا می کنند که بشکنندش؟ پاسخ روشن است. او را می خواهند درم بشکنند تا انقلاب را درم بشکنند. او نماینده انقلاب است و از اینرو باید در برابر جوخه اعدام قرار گیرد. او را نمی کشند، "انقلاب" را می کشند. می خواهند انقلاب را بکشند و از اینرو "او" را می کشند.

زندان سیاسی یعنی وجود ناراضیاتی و ناآرامی، یعنی وجود انگیزه های شورش، یعنی شورش. زندان سیاسی اساساً یعنی مظهر انقلابی که برخاسته و یا برمی خیزد.

زندان سیاسی یعنی انقلاب آینده، یعنی آینده.

مفهوم زندانی سیاسی در جامعه ما و در جوامعی نظیر ایران ما جز این نیست. بار معنایی این واژه با بار معنایی آن در فرانسه و یا آمریکای همین امروز، متفاوت است و از همین رو برخورد با زندانی سیاسی در ایران و شیلی و بلوی و عراق و کره جنوبی و آفریقای جنوبی و نظایر اینها با برخورد انگلیس و فرانسه و آمریکای امروزین تفاوتی روشن دارد.

دیدیم که در لغتنامه تحلیل طبقاتی، در فرهنگ واژگان انقلاب، زندانی سیاسی اساساً یعنی یک چهره نمادین از خشم و کین توده ها. حال این معنی را در آن کلام شاهانه - شیخانه که در صدر این سخن آوردیم، جایگزین واژه زندانی سیاسی کنید. چه در خواهد آمد؟ وقتی شاه و شیخ ادعا می کنند: "زندان سیاسی نداریم" دعوی این می کنند که با خشم و کین توده ها مواجه نیستیم، که جامعه ناآرام نیست و مطیع و سرسبز و گوش به فرمان است. بیان این ادعاست که ثبات داریم، انقلابی در راه نیست.

شاه تمام عمر کابوس انقلاب را دید و بالاخره لگد انقلاب به زباله دانیش افکند. او در وحشت از انقلاب به سر می برد و از اینرو می گفت (و لابد در درجه نخست به خود تلقین می کرد) طغیان و شورش و انقلابی در پیش رو نیست و در مفهوم اخص این کلام: "زندان سیاسی نداریم!" شیخان نیز در وحشت از انقلابند، در وحشت از به حرکت در آمدن بهمین بعدی هستند. همان مکانسی که در ذهن شاه منجر به عبارت "ما زندانی سیاسی نداریم" می شد، در حلق شیوخ نیز این عبارت را جاری می سازد. شاهان و شیخان ناگزیرند یکسان سخن گویند، مسائل گریبانگیرشان همسانی دارد و سرنوشتهان نیز یکسان است. بنابراین تنها وقاحت، آنها را به ادعای انکار وجود زندانیان سیاسی در ایران نمی رساند. کابوس یکسانی، آنها را به هذیان گویی یکسانی وامی دارد.

از همه این بحثها گذشته "زندان سیاسی" در عرف بین المللی بار حقوقی مشخصی دارد. این بار حقوقی اساساً احترام انگیز را قرنها مبارزه در راه آزادی، به این عبارت بخشیده است. رژیم می تواند به اصطلاح حقوقی "زندان سیاسی"

کردن نهد که دست کم در حرف موازین حقوقی را پذیرفته باشد. رژیمهایی همچون حکومتهای اعلیحضرت و آیت الله که به سیاق اسلافاشان که می گفتند "دولت و کشور یعنی من" رجز می خوانند که "حق یعنی من!"، طبیعی است که از کاربست مفهوم حقوقی "زندان سیاسی" به شدت گریزان باشند تا بتوانند تعهدات بعدی را وقیحانه و آشکار، زیر پا بگذارند.

اما وظیفه: باز به مفهوم نمادین زندانی سیاسی برگردیم. اگر زندانی سیاسی یکی از چهره های انقلاب آینده باشد، که هست، بنابراین دفاع از جان او مقدم بر هر چیز دفاع از انقلاب آینده است. زندانی سیاسی انقلابی، قبل از این که مبارز عضو این یا آن سازمان سیاسی باشد و قبل از این که یک فرد معین باشد، شاخص ناراضیاتی، ناآرامی، تلاطم و روحیه انقلابی در جامعه است. او نماینده آرمانی است که عملاً در جامعه ریشه دارد و اورا به سرپیچی از نظم مبتنی بر ستم و سرکوب واداشته است. بی گمان همه این جنبه های خاص و عام، و بنابراین اصطلاح منطقیون این دال و آن مدلول، درم تنفید شده اند و در وجود مجسم یک مبارز دریند، بافت واحدی یافته اند.

اما اکنون بجاست که بر جنبه عام، که زمینه ساز اقدام عمومی است تاکید ویژه ای داشته باشیم که متناسب با وزن درخود آن است.

مفهوم زندان سیاسی را نباید با اره گروه گرابی تقسیم کرد. بالطبع هر سازمانی برای اعضای در بند خود وظیفه و حساسیت ویژه ای دارد اما این امر نباید نافی تکیه بر مفهوم عام و جنبه نمادین زندانی سیاسی شود. سرنوشته زندانیان سیاسی در یکدیگر تنفید شده است. از این جنبه نیز می توان به همین نتیجه رسید. این منطق، مبنای عمل مشترک در دفاع از جان زندانیان سیاسی است. مبنای مشترک، سلسله وار و درم تنفید دفاع از آزادی، دفاع از حقوق بشری، دفاع از مبارزه انقلابی و دفاع از اندیشه های انقلابی همه و همه دفاع مشترک از جان زندانیان سیاسی و اتحاد عمل در این راستا را ایجاد می کند. سخن کوتاه کنیم: اقدام مشترک! فشرده ترین همه پستی ها در دفاع از جان زندانیان سیاسی! اخلاق، آرمان، سیاست و ایدئولوژی، همه و همه ما را به این نتیجه می رسانند. تنها از این طریق است که می توان پرتوانتر بر دهان آتانی که می گویند "در ایران زندانی سیاسی نداریم" مشت کوبید!

از حرف تا عمل

انقلاب ایران و شکست آن تجربیات فراوانی به دنبال آورده است. این تجربیات از چنان صلابت عینی برخوردار بوده اند که در بسیاری از موارد از موانع دکماتیک ذهنی عبور کرده و در راه و دریچه‌هایی را به روی خود گشوده اند. بخشی از تجربیات ناظر بر مناسبات بین سازمانهای سیاسی و تلقی و برداشت آنها از یکدیگر در راستای هدفهای عام و خاص جنبش انقلابی و مصالح توده‌هاست. عمومی‌ترین زمینه و بستر این برداشتها و مناسبات به امر پایبندی به منافع مشترک و تلقی از دموکراسی که بی گمان با تعهد متقابل در آمیخته است، برمی گردد. ما اکنون با شادمانی و امیدواری شاهد آتیم که تجربیات عمدتاً تلخ ذهنیت همه را متحول ساخته و در مناسبات بین سازمانهای انقلابی جلوه‌های مثبتی پیدا می‌شود. اما این ذهنیت متحول شده هنوز خود منشأ تاثیر عینی نکشته و فاصله درد انگیزی بین "حرف" و "عمل" وجود دارد.

بر یک نمونه روشن و چشم گیر دست بگذاریم: مساله زندانیان سیاسی. هیچ سازمان جدی سیاسی در طیف اپوزیسیون انقلابی و مرفقی، منکر ضرورت دفاع مشترک از جان زندانیان سیاسی و افشاکاری پیگیر علیه دستگیری مبارزین و شکنجه و آزار و اعدام آنها نیست. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در آخرین شماره نشریه خود (اسفند ۶۵) در این زمینه تاکید می‌کند: "اتحاد عمل نیروهای انقلابی در خارج از کشور برای افشای جنایات رژیم و توضیح واقعیات تلخی که در کشور ما می‌گذرد، به ویژه توضیح وضعیت دهشتناک زندانیان سیاسی به یک وظیفه مبرم تبدیل شده است." ما از راه کارگر می‌پرسم خود شما تاکنون چقدر به این "وظیفه مبرم" عمل کرده‌اید؟ اکنون حادثه روشنی در پیش چشم شماست. در سال گذشته... نفر از رفقای ما را دستگیر کرده‌اند. شانه تنه‌ها به وظیفه "اتحاد عمل" برای افشای این جنایت عمل نکردید بلکه دست به افشاکاری ساده‌ای هم نزدیدی. حتی این "وظیفه مبرم" که آسان پرشور از آن سخن گفته‌اید، در حد یک

اشاره مختصر در نشریه‌تان به عمل نشست. خود شما بر این شیوه چه نام می‌نهد؟
نشریه "فدایی" در شماره اردیبهشت ماه سال گذشته خود به مردم رهنمود داده است: "اخبار دستگیری‌ها، زندان‌ها و اعدام‌ها را در وسیع‌ترین سطح ممکن پخش کنید!" رهنمودی است بسیار عالی و درخشان. شما لازم نبود اخبار دستگیری... نفر را و اعدام محقق و یا احتمالی عده‌ای از آنان را، در وسیع‌ترین سطح ممکن پخش کنید. اما آیا خودتان آنقدر به رهنمود جامعه عمل پوشانیدید که در حد نشریه‌تان به آن بپردازید؟ شما این مساله را چگونه توجیه می‌کنید؟

سوال ما تنها از این دو سازمان نیست. تنها دو نمونه ذکر کردیم تا آشکار شود "حرف" هنوز تا چه حد از "عمل" فاصله دارد. ما در مورد سازمانهای معینی به این قضاوت تلخ نمی‌رسیم که از آنجایی که معیار سخن، عمل است، سختشان را نباید جدی گرفت. ما تنها به آنها می‌گوئیم خود به شیوه رفتارشان بیندیشید و دست کم خودتان رهنمودهایتان را به مردم، به کار بندید. در این جا باید از بی‌توجهی حزب دموکرات نیز نسبت به این موضوع، اظهار تاسف کرد. حزب دموکرات، پیشنهاد دهنده و مبتکر تشکیل جبهه‌ای است که محور آن را آزادی تشکیل می‌دهد. حزب دموکرات می‌بایست به مجموعه گفته‌ها و نوشته‌های خود در زمینه ضرورت همبستگی و اتحاد عمل در سرتوئی جمهوری اسلامی به نحو جامع، جامه عمل بپوشاند و خود مسائل عده‌ای از قبیل ضرورت افشاکاری جدی علیه دستگیری تعداد کلیری از افراد را، که بر مبنای آرمانی انقلابی علیه رژیم خمینی می‌رزمند، از قلم نیندازد. ابراز همبستگی در مواردی از این دست، گامهای اولیه در راه همبستگی مبارزاتی نیروهای انقلابی است. فرض بر این است که نیروهایی که برداشتن گام بلند و اصولی تشکیل یک جبهه مبارزاتی وسیع را مطرح می‌کنند، نباید در زمینه برداشتن این گام‌های اولیه تردید نشان دهند.

در اواخر سال گذشته رژیم خیر فشار متمرکز چند ساله بر روی سازمان و دستگیری عده کلیری از فداییان را اعلام کرد و بدینسان ناچار شد اعتراف کند که توطئه "سرکوب در تاریکی" با شکست مواجه شده است. ما به هنگام علیه این توطئه بپا خاستیم و دیگر سازمانهای سیاسی را نیز فرا خواندیم تا به نام آرمانها و فعالیت‌های فداییان دستگیر شده و به زعم رژیم "جریبی"، از قبیل فعالیت تبلیغی و سازمانگرا نه در کارخانه و مزرعه و اداره و ارتش، به سهم خود پرده‌ای را که جمهوری اسلامی بر روی این جنایت دامن گستر افکنده است، بردارند و از این زاویه پربازتاب نیز فقها را رسوا سازند. رژیم، توطئه "سرکوب در تاریکی" را پیش می‌برد اما مردم با چشمان بازی شاهد این جنایت بودند. دستگیری گسترده‌ای در حد... نفر و دستگیری‌های دیگری پیش از آن، پس از سانها تعقیب و پیگرد، در جامعه بی انعکاس نبود و مردم چه از طریق برخورد نزدیک با این جنایت که خود آنان و چه فرزندانشان را نشانه می‌گرفت و چه از طریق افشاکاری‌های سازمان، از توطئه پلید فقها بی‌خبر نماندند. در حالی که یاد زهر توطئه "سرکوب در تاریکی" افشاکاری گسترده بود، سازمانهای سیاسی، لابد با توجیهاتی که خود نیز نمی‌توانند به دفاع از آنها برخیزند، اذهان مخاطبین خود را در این زمینه "تاریکی" گذاشتند و از انجام یک وظیفه انقلابی عدول کردند. وظیفه‌ای که خود نیز بر مبنای شواهدی که در بالا بدان اشاره داشتیم - بر "مبرم" بودن آن تاکید دارند.

رهبری سازمان مجاهدین خلق که خود از هم اکنون ما دیگر نیروهای مترقی را به زندان افکندن تهدید می‌کند، (باینکه در تبلیغات حول "آزادی" به مشابه شعار محوری مانور می‌دهد) نخواست و نتوانست در مقابل به زندان افکنده شدن کنونی عده‌ای از رفقایمان، جز با اشاراتی که به کف زدن می‌ماند، با این موضوع برخورد کند. اما توده مجاهدین، که بر مبنای انگیزه‌های قوی آزادی خواهانه و بر اساس جاذبه سنت مبارزاتی مجاهدین به مبارزه رو آوردند نیز باید بطور جدی در برابر این سؤال قرار گیرند که برخورد آن انگیزه‌ها و آن سنت‌ها با مساله روشنی همچون یک دستگیری گسترده چگونه است و رهبری مجاهدین در همین نمونه

مشخص چگونه عمل کرده است، باید بیندیشند و ببینند که در سرکوب فداییان خلق توسط رژیم پلید خمینی موضعی که در شماره گذشته نشریه، در برابر مساله نحوه برخورد سازمانهای سیاسی با موضوع دستگیری و شکنجه و اعدام رفقایمان موضع روشنی گرفتیم که جا دارد مجدداً آن را تکرار کنیم:

... نفر از رفقای ما در پورش اخیر شمبلی دستگیر شده‌اند، این انتقام کتی خمینی از همه نیروهای انقلابی است. بنگرید که "جرایم" آنها را چه عنوان کرده‌اند: فعالیت در کارخانه‌ها، در ارتش و ادارات، داشتن مشی براندازی جمهوری اسلامی، فعالیت در کردستان، تاپید و تشویق فعالیتهای انقلابی همه نیروها، داشتن امکانات مختلف برای پیشبرد مبارزه در راه سرتوئی جمهوری اسلامی (مطبوعات ج. ا.). دفاع از جان نیروهای دستگیر شده، مقدم بر هر چیز دفاع از این "جرایم" است. این "جرایم" جزو افتخارات همه نیروهای است که علیه خمینی می‌رزمند.

در مرحله فعلی، مقابله با پورش رژیم به سازمان و دفاع از جان مجموعه فدائیان اسیر بر بستر دفاع از جان و آرمان همه انقلابیون در بلند، می‌بایست در مجموعه فعالیتهای ما، جایگاه ویژه‌ای بپایند. این وظیفه تنها بر عهده ما نیست. ما شرکت همه نیروها در این کارزار را همچون معیاری تلقی می‌کنیم که با آن می‌توان میزان وفاداری سازمانهای مختلف به اصل اتحاد همه نیروها در رزم مشترک را

محک زد



بنزین رساگر آن شد

۲- نفت سفید هر لیتر ۴ ریال
۳- نفت گاز هر لیتر ۴ ریال
۴- نفت کوره هر لیتر ۲ ریال

باید خاطر نشان ساخت که نرخ گازوئیل مصارف حرارتی (خانگی) لیتری ۱۰ ریال اعلام شده است. ارائه بنزین غیر کوپنی با بهای لیتری ۶۰ ریال، با توجه به نیاز شدید دارندگان وسائط نقلیه، در واقع افزایش رسمی بهای بنزین از سوی دولت تلقی می‌گردد.

گرچه رژیم به عرضه بنزین کوپنی با بهای لیتری ۲۰ ریال ادامه می‌دهد، ولی تحویل ۲۰ الی ۲۰ لیتر بنزین در ماه به دارندگان خودروهای شخصی بهیچوجه پاسخگوی تقاضای آنان نبوده و دارندگان اتومبیل ناگزیر خواهند بود تا کمبود بنزین مصرفی خود را با بهای بیشتر رسا از دولت خریداری نمایند.

باید یادآور شد که افزایش نرخ بهای فرآورده‌های نفتی شدیداً تورم‌زا بوده و گران شدن آنها بی‌واسطه بر بهای عموم کالاها (چه در جریان تولید و یا حمل و نقل کالاهای صنعتی و یا کشاورزی) تاثیر می‌نهد.

اطلاعات ۹ فروردین - در آخرین روزهای سال ۶۵، در جریان مباحث علنی مجلس شورای اسلامی پیرامون تصویب لایحه بودجه سال ۶۶ کل کشور، حجت الاسلام دری نجف آبادی مخبر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس فاش ساخت که دولت جمهوری اسلامی برای تامین بخشی از درآمدهای مورد نیاز خود، در صدد است بهای فرآورده‌های نفتی و از جمله بنزین را افزایش دهد.

بدنبال تصویب مجلس شورای اسلامی، آقازاده وزیر نفت رژیم طی یک مصاحبه رادیو تلویزیونی اعلام کرد که بهای فرآورده‌های نفتی و همچنین بنزین در سال ۶۶ افزایش خواهد یافت. بیرو مصاحبه آقازاده، روابط عمومی وزارت نفت جمهوری اسلامی طی اطلاعیه‌ای بهای جدید فرآورده‌های نفتی و نیز عرضه بنزین غیر کوپنی با بهای بیشتر را اعلام کرد. بر اساس اطلاعیه روابط عمومی وزارت نفت جمهوری اسلامی، نرخ جدید فرآورده‌های نفتی از تاریخ ۶۶/۱/۱ برای مصرف کنندگان در سراسر کشور به شرح زیر اعلام شده است.

۱- عرضه بنزین غیر کوپنی (آزاد) هر لیتر ۶۰ ریال.

نظارات ضد رژیم در استادیوم فوتبال

در جریان دیدار دو تیم فوتبال پیروزی و استقلال در روز ۷ فروردین در تهران که در چارچوب فوتبال فهرمانی باشگاههای تهران برگزار شد، عده کثیری از تماشاگران با دادن شعارهای سیاسی، علیه رژیم ابراز مخالفت نمودند. این چندمین بار است که مردم با استفاده از موقعیت ویژه از میادین ورزشی دست به تظاهرات زده و علیه مسئولین شعاری دهند. روزنامه رسالت ۹ فروردین ماه که گوشه‌ای از اعتراض مردم را - به شکل تحریف شده‌ای - انعکاس داده است از مسئولین امر در این مورد خواسته است: "از هم اکنون قاطعیت لازم را اعمال نمایند." در گزارش صفحه ورزشی روزنامه رسالت همچنین اعلام شده است: "از نکات قابل توجه در اوائل نیمه نخست این دیدار بود که تعداد قلیلی به اصطلاح تماشاگر با آوای شومشان می‌خواستند چون گذشته ورزشگاه را به زشتی بکشانند."

باید خاطر نشان ساخت که تیم فوتبال پیروزی همان تیم فوتبال آزادی سابق و همان تیم فوتبال پرسپولیس سابق‌تر است. بدنبال تغییر نام باشگاه پرسپولیس به باشگاه آزادی، عده‌ای از مردم خوش ذوق با بهره‌گیری از زیرکی، تحت لوای تشویق ورزشی بدن شاعر "زنده باد آزادی" اقدام نموده بودند. بدنبال این موضوع بود که رژیم سرعنوان جدید باشگاه پرسپولیس را از "آزادی" به "پیروزی" تغییر داد.

منتظری!

"بیش از هر زمان به وحدت نیاز داریم"

اطلاعات ۱۰ فروردین - منتظری در دیدار گروهی از نظامیان و کارکنان دولت باردیگر بر وحدت کل رژیم تاکید ورزید. وی گفت: "سومین عامل هلاکت آن است که انسان اگر مسئولیتی یا پستی را در اداره‌ای و یا شهری به عهده او گذاشتند، عنوانی کسب کرد و قدرتی پیدا کرد، تلاش کند با تهدید و پخش شایعه‌ها و انتشار چیزهای بی‌اساس، آبرو و حیثیت افراد را از بین ببرد و اموال آنها را بگیرد. سعی کنیم... موجب کینه و تفرقه نشویم. ما امروز بیش از هر زمان دیگر به هماهنگی و وحدت نیاز داریم." منتظری که با ادای این جملات به عهده معینی در حکومت اشاره داشت، از مشخص کردن نام این عده اجتناب ورزید.

تهدید رژیم به حمله موشکی

در دهانه خلیج فارس

کیهان ۹ فروردین - خرازی سرپرست ستاد تبلیغات جنگ در مصاحبه بایکی از شبکه‌های رادیویی انگلیس در لندن اعلام کرد: "ایران با استقرار موشک در دهانه خلیج فارس از ورود کشتی‌های جنگی عراق که اخیراً از ایتالیا خریداری کرده است به داخل خلیج فارس جلوگیری خواهد کرد." وی در مصاحبه خود همچنین مدعی شد که استقرار این موشکها در دهانه خلیج جنبه تهاجمی نداشته و صرفاً تدافعی است. باید خاطر نشان ساخت که روزنامه کیهان علت سفر خرازی به انگلستان را فاش ن ساخته است.

سپرده بدر تهران



... به آداب و سنن ملی خود پایبندند. هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند مانعشان گردد. به امان طبیعت پناه برده اند تا "حق شاد بودن" خود را در ماتمکده میهن پاس دارند. دانسته اند و نیک اعتقاد دارند که شرکت در اعیاد ملی و محترم شمردن سنن ملی‌شان، ابراز مخالفتی است علیه رژیم.

میزان صادرات غیر نفتی کشور در سال ۶۵

ارزی بدست آمده از صدور و فروش نفت است. از سوی دیگر بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای با واحد مرکزی خبر اعلام کرد که در نتیجه صدور کالاهای صنعتی به خارج در طول ۷ ماهه اول سال ۶۵، میزان ۱۰ میلیون دلار ارز تحصیل شده است. اعلام این رقم از سوی وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی در شرایطی صورت می‌گیرد که پیش از این مسئولین رژیم حول مسئله صدور کالاهای صنعتی به خارج از کشور، تبلیغات وسیعی بر اه انداخته بودند.

اطلاعات ۱۰ فروردین - ذاکر معاون امور مجلس و استان‌های وزارت صنایع در مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که میزان کل صادرات غیر نفتی کشور در سال ۶۵، بالغ بر ۷۵۰ میلیون دلار بوده است. این میزان صادرات غیر نفتی که عمدتاً شامل فرش، پسته، روده، میوه و کالاهای صنعتی می‌باشد تنها ۵/۵ درصد میزان درآمد ارزی پیش بینی شده لایحه بودجه سال ۶۵ در زمینه صدور و فروش نفت است. افزایش نقش صادرات غیر نفتی در مجموع کل درآمد ارزی رژیم در سال گذشته نه به علت افزایش صادرات غیر نفتی بلکه ناشی از کاهش درآمد

کربلاهای خمینی کشتار می کند

بقیه از صفحه اول

کوبیدن سخن گفت اما نحوه تبلیغ رژیم نیز خود بر شکست آن دلالت داشت. در اولین روز حمله عنوان شد که ۲۰ کیلومتر در خاک عراق پیشروی شده است، و تا چهارمین روز بر تعداد هواپیماهای سرنگون شده و تلفات نیروهای عراقی تاکید می شد. دفتر تبلیغات جنگ ادعا کرد که تا روز ۲۱ فروردین ۸۲ نفر از نیروهای عراقی کشته و زخمی و ۲۲ نفر اسیر گشته اند. عملیات کربلا ۹ در شامگاه ۲۱ فروردین و در جبهه میانی انجام گرفت. این عملیات به اعتقاد برخی ناظران جهت تخفیف فشار نیروهای عراقی به نیروهای خمینی مستقر در اطراف بصره و منطقه عملیاتی کربلا صورت گرفته است. عملیات کربلا ۹ از روز

پنج شنبه ۲۲ فروردین، روز بعد از آغاز آن، در ارگان های تبلیغی رژیم خمینی بکلی سکوت گذاشته شد. در بخش های مختلف خبری حتی از وقوع چنین حمله ای کمتر ذکری به میان آمد. در پشت این سکوت در مورد عملیات کربلا ۹ و هیاهو در باره آمار هواپیماهای سرنگون شده و تانک های منهدم شده عراقی در عملیات کربلا ۸، در خون غلتیدن هزاران جوان ایرانی نهفته است. خیرگزاری های بین المللی از شکست هر دو تهاجم جمهوری اسلامی در جبهه بصره و جبهه میانی خبر دادند و تلفات در طرف را بسیار سنگین توصیف کردند. رژیم عراق با قطع بر تمامه های عادی رادیو و تلویزیون خود از یک پیروزی درخشان و کشتن هزاران ایرانی دم زد و اعلام کرد هر دو حمله جمهوری اسلامی را در هم

کوبیده است. جدا از تبلیغات و عوامل ریبی-ها، حقیقتی تکاندننده بروشنی نمایان است. هزاران انسان دیگر در آتش افروخته ای سوخته اند که خمینی بر آن می داند. خمینی هر زمان شیاهانه ارکان می بیند و با نابودی آن با ناسی دیگر هزاران انسان دیگر را به کام مرگ رهسپار می سازد. در آغاز عملیات کربلا، سپاه محمد تدارک دیده شد. سپس شیاه مهدی و صاحب الزمان فرا خوانده شد و همین روال ادامه دارد. خیرگزاری ها از تلاش رژیم خمینی برای انتقال آب دریاچه مامی و خشک کردن باتلاق های آن خبر دادند. اما باتلاق اصلی، جنگی است که رژیم خمینی در آن دست و پا می زند. هر تلاش عینت خمینی برای رهایی از آن یعنی یک حمله جدید، یعنی مرگ هزاران انسان، یعنی فرو رفتن بیشتر در این باتلاق. انگیزه حملات اخیر را جمهوری اسلامی پاسخی به بمباران مناطق نفتی کشور توسط عراق اعلام کرد. رژیم عراق حمله به مناطق نفتی را شدت

بخشیده است و بویژه طی هفته گذشته جزیره سیری که بخش مهمی از صادرات نفت جمهوری اسلامی از آن صورت می پذیرد، مورد بمباران هوایی واقع شد. اهمیت صدور نفت و حیاتی بودن تبدیل هر قطره این سرمایه ملی به جنگ افزار، هرگونه اختلال و سدی در این زمینه را برای جمهوری اسلامی مرکبار و غیر قابل تحمل ساخته است. اما توصیف حمله گسترده ای به ایجاد حمله کربلا ۸ - حمله ای که تدارکات دراز مدتی را می طلبد بعنوان حمله ای انتقامی تلاش برای کوچک جلوه دادن ابعاد آن است. خمینی در وضعیتی قرار گرفته است که ناگزیر به تداوم حرکات جنگی است، حتی اگر از پیش هم شکست آن عملیات محرز بوده باشد. تقلدهای جنگی فاجعه بار رژیم خمینی، چیزی جز تدارک شکست های تازه تر نیست. این تقلدها، دست و پا زدن های ناگزیر در باتلاق جنگی است که در آن فرومانده اند. اکنون هر آن از غرقه شدن در این باتلاق دیو جماران زاپه رسته انداخته است.

از رویدادهای ایران

وضعیت کارگاه های صنعتی بخش عمومی

کیهان ۱۰ فروردین - براساس نشریه آماری "کارگاه های بزرگ صنعتی تحت مدیریت بخش عمومی"، مرکز آمار ایران، وضعیت این واحدهای صنعتی در سال ۶۲ بدین قرار اعلام شده است: از مجموع ۷۵۱۲ کارگاه صنعتی کشور، ۱۰۲۶ واحد در بخش عمومی می باشد که این رقم ۱۲/۷ درصد کل کارگاه های صنعتی کشور را تشکیل می دهد. در سال ۱۳۶۲، بیش از ۴۲۲ هزار نفر در کارگاه های صنعتی بخش عمومی فعالیت داشته اند که از آن بین ۲۶۹ هزار نفر کارگر می باشند. از مجموع ۱۰۲۶ کارگاه، ۲۴۹ کارگاه دارای بیش از ۵۰۰ کارکن بوده اند. صنایع ماشین آلات، تجهیزات و محصولات فلزی با جذب ۱۱۵ هزار نفر نیروی شاغل در مقام اول و صنایع نساجی، پوشاک و چرم، مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات در مراتب بعدی قرار دارند. از نظر وابستگی مواد خام و اولیه کارگاه های صنعتی این بخش به خارج، در سال ۶۲، صنایع محصولات فلزی، ماشین آلات ۷۲/۶ درصد، صنایع شیمیایی ۷۲/۷ درصد و صنایع تولید فلزات اساسی ۶۲/۶ درصد مواد خام خود را از خارج از وارد کرده اند.

۷۰ میلیارد ریال کالای قاچاق

۵ (تن مواد مخدر

رسالت ۱۰ فروردین - خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که در سال ۶۵، ماموران ژاندارمری بیش از ۷۰ میلیارد ریال کالای قاچاق و

بیش از ۱۵ هزار و ۲۸۲ کیلوگرم مواد مخدر ضبط کرده اند. براساس خبر خیرگزاری رسمی رژیم، در این رابطه تنها در سال ۶۵، ۱۶ هزار و ۴۷۲ تن قاچاقچی دستگیر شده اند.

لازم به تذکر است که از رقم سرسام آور ۱۵ تن مواد مخدر، نزدیک به ۲ تن مربوط به حبشیش و هروئین می باشد. کشف ۱۵ تن مواد مخدر - در صدی ناچیزی از مواد مخدری که در درون کشور توزیع و یا حمل می شود - و همچنین قاچاق ۷۰ میلیارد ریال کالا، بازتابگر اوج ناپسامانی و ناهنجاری اجتماعی کشور است.

کاهش توان صادرات نفتی رژیم

در گزارش نشریه کیهان هوایی ۲۷ اسفند از جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در باره تصویب لایحه بودجه سال ۱۳۶۶ کشور فاش شده است که رژیم توانائی صادرات نفت بر اساس سهمیه تعیین شده از سوی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) را ندارد. حجت الاسلام دری نجف آبادی منخبر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی فاش ساخت که رژیم برای سال ۶۶، صادرات نفتی معادل ۱/۵ تا ۱/۲ میلیون بشکه در روز را در نظر گرفته است. سهمیه صادراتی نفت ایران در اجلاس آخر وزرای نفت کشورهای عضو اوپک (دسامبر ۸۶) معادل ۲/۴ میلیون بشکه در روز تعیین شده بود. منخبر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس همچنین اعلام کرد که رژیم با قائل شدن چند دلار بعنوان "هزینه جنگی"، نفت خود را تا ۱۵ دلار نیز معامله می کند.

از سوی دیگر بنا به گزارش فرانس پرس، توان صادراتی نفت عراق با استفاده از تسهیلات انتقال نفت عربستان سعودی از مرز ۱/۸ میلیون بشکه در روز فراتر رفته است.

سیل قربانی می گیرد

کیهان ۱۵ فروردین - بر اثر بارندگی شدید و ریزش تکرک، سیل چندین روستای خراسان و گنبد را محاصره کرد. در اثر جاری شدن سیل، تنها در منطقه نهبندان بیرجند دهها نفر کشته و زخمی شده اند. براساس گزارش روزنامه کیهان بسیاری از راههای روستایی تخریب شده و ارتباط برخی از روستاها با شهرهای اطراف کاملاً قطع شده است. براساس این گزارش تنها در منطقه نهبندان بیرجند بیش از ۸۰ واحد مسکونی ویران شده است.

از میان دیگر رویدادها

● اطلاعات ۱۰ فروردین - هیات نمایندگی جمهوری اسلامی به سرپرستی عزیزی معاون امور اقتصادی وزارت برنامه و بودجه جهت شرکت در اجلاس شورای برنامه ریزی سازمان همکاری اقتصادی ایران، ترکیه و پاکستان "اکوآزم" ترکیه شد.

● کیهان هوایی ۱۹ فروردین - ارتشبد حسین فردوست رئیس دفتر ویژه اطلاعاتی شاه مغفورو رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی رژیم گذشته و از بنیانگذاران ارگانهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی روز ۱۴ فروردین در یک مصاحبه تلویزیونی به تشریح فعالیت خود در حکومت شاه پرداخت.

● کیهان ۱۱ فروردین - مظفر بقایی رهبر "حزب زحمتکشان" دستگیر شد. خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن اعلام این خبر، عنوان کرده است: "در بازرسی از منزل او مقادیر زیادی اسناد مربوط به حزب زحمتکشان و اشیا و نشریات غیر مشروع بدست آمد."

دهان گشاد رژیم برای بلعیدن نان شب روستائیان

هر روز شاهد آمارهای دروغین مسئولین منطقه در ایجاد مدرسه و جاده و برق و آب و غیره هستیم. ما برای تصویر واقعیت امر چند مثال می‌زنیم. روستائیان روستای پشت تنگ چنار از توابع بخش و لیسبان درخواست ایجاد حوضچه‌ای جهت مهار آب آشامیدنی روستای می‌کنند. اجرائ این طرح کلا ۱۵۰۰ تومان بودجه نیاز داشت اما روستائیان پس از دوندگی زیاد با این جواب مواجه شدند که این طرح باید با "خودپاری" روستائیان اجرا گردد. این طرح با پول روستائیان و به نام جهاد ساخته شد. روستائیان نهرهاشم از توابع بخش چکنی درخواست برق می‌کنند. در شرایطی که شبکه برق از یکصد متری روستا می‌گذرد و اجرای طرح برق رسانی فقط به یک تراست و مقداری کابل نیاز دارد رژیم از هر خانواده مبلغ ۵ هزار تومان طلب می‌کند.

روستائیان برای تأمین هزینه جنگ به اشکال مختلف دوشیده می‌شوند. در بخش چکنی برای گرفتن حواله آهن از هر نفر دو بیست تومان گرفته می‌شود. در غیر این صورت حواله‌ای داده نمی‌شود.

مامورین رژیم با تمام قوا می‌کوشند امکان اعزام تعداد بیشتری از جوانان منطقه به جبهه را بیابند. برای این منظور فشار زیادی برای تشکیل "پایگاه مقاومت" اعمال می‌شود اما در این زمینه موفقیتی کسب نکرده‌اند. نفوذ حکومت در روستاهای این منطقه بسیار ضعیف است. رژیم حتی شوراها را فرمایشی خود را نیز نمی‌تواند کنترل و یا تعقیب کند. فعالیت‌های سیاسی و افشاگرانه در بالا بردن سطح آگاهی روستائیان تأثیر بسزایی داشته است. نمونه‌های بسیاری از اشکال مختلف اعتراضی و حرکات جمعی در روستاها دیده می‌شود، که بطور نمونه می‌توان از روستاهای بخش های چکنی و چقلوندی نام برد.

روستا بیار دپروز

داوطلب امروز

تشریح وضعیت بخشی از کارکنان اداره بهزیستی خود افشاگر سیاست‌های حکومت در مقابل روستائیان و همچنین زنان شاغل است. در سال‌های قبل از انقلاب موسساتی به نام خانه‌های فرهنگ روستایی در

خرم آباد از میان گزارشها و نامه‌ها: (بخش آخر) تجسیم ویرانگری رژیم، تجلی رزم مردم

به مراکز و جهت پیشبرد وظایف خویش است. مهد کودک‌هایی که در این مراکز دایر هستند سال به سال با توجه به تنزل بودجه‌شان از توان کمتری برای پذیرش کودکان روستایی برخوردار می‌شوند. بودجه غذایی آن‌ها تا حد تهیه یک عدد بیسکویت (۱) در روز تنزل یافته است.

خرم آباد

شهر جنگ زده

از زمستان سال ۶۲ که اولین حمله موشکی به شهر خرم‌آباد صورت گرفت تا زمستان سال ۶۵ هزار چندگاه خرم‌آباد زیر شدیدترین حملات هوایی قرار داشت. کار بجایی رسیده است که مردم خود را برای آوارگی‌های درازمدت آماده می‌کنند. برخی از روستامندان شهر در روستاهای اطراف اقدام به خانه‌سازی برای استقرار در زمان بمباران کرده‌اند. به دلیل پیوندهای قومی و عشیرتی اکثر ساکنین خرم‌آباد با روستائیان، ابعاد مهاجرت از شهر بی‌سابقه بوده و می‌توان گفت در دوران جنگ شهرها تقریباً تمامی اهالی شهر را برای یافتن محلی امن تخلیه می‌کردند. مدارس و موسسات آموزشی کاملاً تعطیل شده و ادارات دولتی علیرغم مخالفت مسئولین بر اثر اعتراضات کارمندان در ساختمانهای اطراف شهر مستقر شدند. سیل هجوم مردم به بیرون از شهر مشکلات بی‌شماری نیز به همراه داشت، صرف یافتن غذا و یافتن وسیله نقلیه برای سرکشی به خانه و مقابله با گرما و پس از آن سرما و... پیگیری اخبار بمباران‌ها و بحث و گفتگو در مورد جنگ موضوع اصلی صحبت مردم در روستاها و

روستاها شروع بکار کردند که تحت پوشش اداره تعاون و امور روستاها قرار داشتند. اهداف آن، تشکیل کلاس‌های بیکار با بیسواد، آموزش صنایع دستی، خیاطی، بافندگی، تشکیل مهد کودک و غیره اعلام شده بود. این موسسات در مراکز بخش‌ها تشکیل و توسط زنانی که تحت عنوان سپاهیان ترویج دوره سرپازی را می‌گذراندند اداره می‌شد. برای عده‌ای از دختران روستایی در این مراکز دوره‌های یک ساله‌ای گذاشته می‌شد که پس از گذراندن این دوره بعنوان روستا یار بکار مشغول می‌شدند. از خواستهای همیشگی آنان تعیین وضعیت استخدامی و استفاده از مزایای بیمه و حق بازنشستگی بوده است. در سال ۱۳۵۸ با پیگیری و مبارزه متحد و متشکل در سطح شهرستان خرم‌آباد این روستاییان به استخدام رسمی درآمدند. اما بعد از گذشت یک سال حکم استخدام رسمی آنان لغو گردید و به سازمان تازه تأسیس بهزیستی انتقال یافتند. در سازمان بهزیستی موسسات فوق به نام مجتمع‌های خدمات روستایی نام گذاری شد و کارکنان آن از روستا یار به "داوطلب" تغییر اسم یافتند. این "داوطلبان" که دختران و زنان روستایی بوده و از شناخت کافی نسبت به مسایل روستا برخوردارند فعالیتشان در زمینه بهبود وضعیت رفاهی - اجتماعی روستائیان مفید است. رژیم به هر کدام از آنها ماهانه فقط ۱۷۰ تومان حقوق می‌دهد. مبارزه آنان برای پیگیری مطالباتشان و رسیت یافتن وضعیت استخدامی‌شان ادامه دارد. اما حکومت از یکسو به خواستهای آنان وقعی نمی‌گذارد و از دیگر سو خواهان تبدیل این مجتمع‌ها

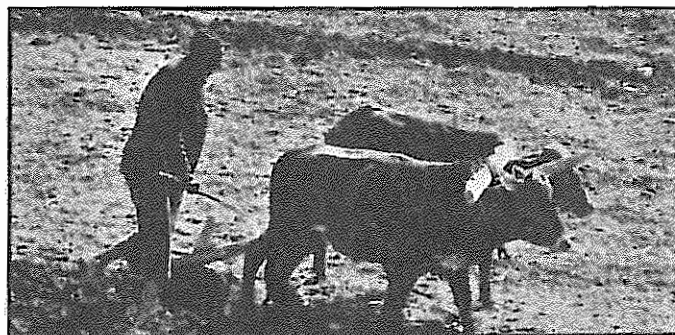
شهر و وسایل نقلیه و صفها و خلاصه همه جا بوده است. نفرت از جنگ در میان مردم به اوج خود رسیده است.

مامورین بویژه در دور اخیر بمباران شهرها، مبادی ورودی و خروجی شهر را بسته و وسایل نقلیه را کنترل می‌کردند. هدف آنان جلوگیری از تخلیه شهر بود. آنان از خروج انانیه جلوگیری کرده و می‌گفتند باید مقاومت کرده، نباید شهر تخلیه شود. مامورین با مشاهده ناتوانی در جلوگیری از خروج مردم، اعلام کردند که از خانه‌ها حفاظت خواهد شد، انانیه خود را نهرید، اما باز هم مردم فریب نخوردند. آنان بارها همدستی سارقین و دزدان خانه‌ها با برخی مامورین شهربانی و سپاه را چشم دیده بودند. (نمونه دزدی از پاساژ قائم خرم‌آباد در سال گذشته و حضور دزدان و قاچاقچیان با سابقه در سپاه و کمیته‌ها).

به کارمندان مخابرات دستور داده‌اند که به هنگام بمباران‌ها ارتباط با شهرهای بمباران شده را وصل نکنند. یک کارمند مخابرات شهر می‌گفت: "دستور داده‌اند شماره‌های شهرهایی که بمباران می‌شوند را نگه‌داریم و بگوئیم که خطر خراب است و یا شلوغ است و خلاصه مردم را سر بگردانیم تا خبر بمباران‌ها گسترش نیابد."

رژیم از همه وسایل ممکن استفاده می‌کند تا ثابت نماید که مردم طرفدار جنگ هستند. اما در همین دهه فجر با تمام تمهیداتی که دیده بود فقط هزار نفر در مراسم ۲۲ بهمن شرکت کردند. شهر خرم‌آباد در مسیر تسامی نفرت و تدارکاتی است که از شهرهای مختلف راهی جبهه‌ها هستند. هر روز مردم خرم‌آباد شاهد راهبندی‌های مختلف در شهر و اطراف آن هستند که مثلاً کاروان فلان شهر می‌آید. این کاروان‌ها را در تمام شهر می‌گردانند. از این نظر هم جان مردم به لب رسیده است. یک راننده تاکسی می‌گفت تا می‌شوم که کاروان فلان شهر امروز وارد خرم‌آباد می‌شود آنروز کار را تعطیل می‌کنم و اصلاً از خانه بیرون نمی‌آیم چون همه جا بسته می‌شود.

به اشکال گوناگون از اصناف و ادارات و موسسات و کارخانه‌ها می‌خواهند که پول و جنس و تولیدات را جمع‌آوری و هر چند وقت یکبار با دنگ و فنگ فراوان به جبهه اعزام دارند. یکی از کارکنان یکی از موسسات دولتی می‌گفت به ما مراجعه کردند و گفتند موسسه شما باید کمک کند. گفتیم به برکت حمایت دولت



دهقان لر، با ابراهانی بجا مانده از اعصار و قرون زمین را شخم می‌کند.

در این هنگامه

«که زندانها از شبنم و شقایق سرشارند»

بقیه از صفحه ۱۶

عراق شدند. در این تظاهرات از جهانپان خواسته شد برای مقابله با خطری که جان فداییان زندانی را تهدید می‌کند، به یاری جنبش انقلابی ایران بشتابند. تظاهرکنندگان طی قطعنامه‌ای

اتریش

بازندانیان سیاسی ایران همبستگی کنیم

در اروپا و ... به زبان آلمانی و فارسی در میان خارجیان و ایرانی‌ها پخش گردید. کسانی که اعلامیه‌ها را دریافت می‌کردند ضمن ابراز همبستگی با زندانیان سیاسی تنفر خود را از رژیم خمینی ابراز می‌داشتند. این تظاهرات مورد پشتیبانی حزب کمونیست اتریش قرار گرفت. یکی از اعضای کمیته مرکزی این حزب با حضور در تظاهرات، همبستگی کمونیست‌های اتریشی را با زندانیان فدایی ابراز داشت.

محوطه مقابل دانشگاه وین که یکی از مراکز پرتردد این شهر است، بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۰ فروردین صحنه تظاهرات فداییان خلق علیه جنایات رژیم خمینی در زندانها بود. محل تظاهرات با طرح‌های انقلابی و شعارهایی چون "با زندانیان سیاسی ایران همبستگی کنیم" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" تزیین شده بود. قبل از شروع تظاهرات و در جریان آن فراخوان کمیته مرکزی، اعلامیه مطبوعاتی نمایندگی سازمان

هلند

* تشکیل هیأتی

از احزاب مترقی هلند در

دفاع از زندانیان سیاسی ایران

روز سه‌شنبه ۱۱ فروردین فداییان خلق در آمستردام همراه با گروهی از نمایندگان نیروهای مترقی خارجی و ایرانیان آزادیخواه در برابر دفتر حقوق بشر اجتماع کرده ضمن افشاکری در باره سرکوب خونینی که رژیم خمینی در مهین ما براه انداخته است. خواهان قطع شکنجه و کشتار زندانیان فدایی و سایر مبارزین در بند شدند.

این گروه آبی اعتراضی با حمایت و پشتیبانی حزب کمونیست های هلند و دیگر نیروهای پیشرو و دمکرات در هلند مواجه گردید.

هم اکنون در نتیجه اقدامات فداییان، هیئتی از احزاب مترقی هلند تشکیل شده است تا خواستهای فداییان را در رابطه با جلوگیری از قتل و کشتار فرزندان اسیر مردم ایران بیکبری کند.

دانمارک

* رژیم خمینی هر چسبته تریب نمونه نقض حقوق بشر در جهان است

مردم جهان می‌دانند که رژیم خمینی در سطح جهان رکورد دار نقض خشن حقوق بشر است. مسئولین فوق در پایان ممدردی خود را با خانواده‌های زندانیان سیاسی بیان داشته گفتند همه تلاشهای خود را در جلوگیری از ریختن خون انسانهایی که در راه صلح، آزادی و عدالت مبارزه می‌کنند، به کار می‌گیرند.

آرهوس: روز جمعه، فداییان خلق در هفت نقطه شهر دست به تظاهرات ایستاده زدند. این حرکت‌ها مورد حمایت نیروهای مترقی و مردم شهر قرار گرفت. کسانی که به تظاهرکنندگان مراجعه می‌کردند جنایت رژیم خمینی علیه فداییان در بند و دیگر زندانیان سیاسی ایران را محکوم می‌نمودند. همچنین فداییان با مراجعه به مراکز عفو بین‌الملل و صلیب سرخ خواهان واکنش سریع آنها در برابر توطئه تازه رژیم شدند.

در شهرهای سوئد بورگ، واپله، و رده، اسپینا، و بیورگ، اسکانه بورگ و اسکوه نیز اقدامات مشابهی انجام گرفت.

کینهاک: روز دوشنبه ۱۰ فروردین هیئتی متشکل از نمایندگان فداییان خلق در دانمارک و ویلوسیکرسون عضو رهبری حزب سوسیالیست های چپ دانمارک و رئیس کمیته صلح و دمکراسی ایران و عراق با مسئولین دفتر سازمان ملل متحد و عفو بین‌الملل در دانمارک دیدار و گفتگو نمود.

در این دیدارها هیئت مزبور در باره زیر پا نهادن ابتدایی‌ترین موازین حقوق انسانی، اعمال سیاستهای سرکوبگرانه علیه نیروهای انقلابی و صلحدوست و همچنین خطر اعدام گروهی از فداییان اسیر از سوی رژیم خمینی سخن گفت. مسئولین این نهادها ضمن ابراز تاسف از خطری که جان فداییان در بند و دیگر زندانیان سیاسی ایران را تهدید می‌کند، انزجار خود را نسبت به اعمال شکنجه و اعدام در ایران اعلام نمودند. مسئول دفتر عفو بین‌الملل که بشدت نگران اوضاع زندانها بود، ضمن ابراز تنفر از رفتار سبانه رژیم با زندانیان گفت همه

بریتانیا: تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن

تمام مساعی خود را برای رهایی زندانیان سیاسی ایران و علیه توطئه کشتار زندانیان فدایی به کار گیرند.

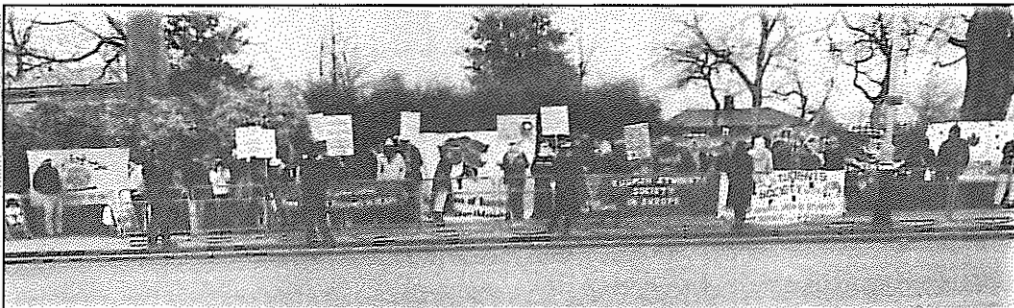
مدیر دفتر سازمان ملل در لندن گفت موارد درخواست فداییان را با مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد و همچنین شخص دبیر کل در میان خواهد گذاشت مسئول خاورمیانه سازمان عفو بین‌الملل اظهار داشت گرچه جمهوری اسلامی درهای زندانها را به روی سازمانهایی نظیر عفو بین‌الملل و صلیب سرخ جهانی نیز بسته است ولی ما وظایف خود را در قبال زندانیان سیاسی انجام خواهیم داد.

حزب کمونیست، بریتانیا، سازمان ضد امپریالیستی لیبراسیون، اتحادیه ملی دانشجویان در لندن و آقای استن یثونز عضو پارلمان اروپا با ارسال پیام و سازمان حزب توده ایران در بریتانیا، انجمن دانشجویان عراقی، انجمن دانشجویان کرد، کمیته دفاع از حقوق مردم ایران با شرکت در این تظاهرات همبستگی خود را با فداییان زندانی اعلام کردند.

پس از پایان تظاهرات هیئتی از طرف فداییان خلق در بریتانیا به دفتر سازمان ملل در لندن و دفتر مرکزی سازمان عفو بین‌المللی مراجعه و از مسئولین این نهادها تقاضا کردند که

روز دوشنبه ۱۰ فروردین، بنابه دعوت فداییان خلق در بریتانیا تظاهراتی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن برگزار گردید. تظاهر کنندگان با حمل پلاکاردها و پرده‌هایی که بر آنها شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "از اعدام‌ها جلوگیری کنید" و "همبستگی با فداییان زندانی" و ... نقش بسته بود، گرد آمدند.

در این اقدام اعتراضی فراخوان کمیته مرکزی سازمان به فارسی و انگلیسی در بین ایرانیان و انگلیسی‌هایی که از محل عبور می‌کردند پخش شد.



آلمان فدرال

* زندگی سیاسی آزاد باید گردد

در تاریخ ۱۰ فروردین مردمی که از برابر مقر نمایندگی سازمان ملل متحد در شهرین پایتخت آلمان فدرال می‌گذشتند، شاهد تظاهرات فداییان خلق بر پایه خواست آزادی زندانیان سیاسی ایران منجمله فداییان اسیر بودند.

بودند از:
۱ - در مورد سیاست ترور و اختناق جمهوری اسلامی و شکنجه زندانیان سیاسی در ایران (به جهانیان) گزارش دهید.
۲ - بطور حضوری و از طریق ارسال تلگرام به نمایندگی های جمهوری



فداییان در حالیکه مشعل‌های برافروخته‌ای در دست داشتند در محل گرد آمده و به پخش اعلامیه فراخوان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) علیه توطئه رژیم جمهوری اسلامی در ارتکاب جنایات جدید پرداختند. آنها با فریاد شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و "زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی" به زبان آلمانی از نمایندگی سازمان ملل متحد خواهان انجام اقدامات عاجل در جلوگیری از جنایات تازه رژیم خمینی شدند.

این تظاهرات با قرائت قطعنامه‌ای که به نمایندگی سازمان ملل تسلیم گردید، پایان یافت. خواستهای قطعنامه تظاهرات عبارت

ژاپن

* به نقض حقوق بشر در ایران پایان دهید

روز ۱۰ فروردین نمایندگان از سوی هواداران سازمان ما در ژاپن همراه با دو نماینده از سازمان مترقی "شیزاوندو" به دفتر سازمان ملل در توکیو مراجعه کرده، متنی را در اعتراض به سیاست های ددمشانه جمهوری اسلامی در قبال زندانیان سیاسی میهنمان به مسئول نمایندگی سازمان ملل در ژاپن تقدیم کردند.

فرانسه

* از جنایات جدید در زندانهای ایران جلوگیری کنید

زندانیان سیاسی، محکومیت رژیم خمینی از سوی ملل جهان، اعزام یک هیئت از سوی مراجع بین‌المللی جهت بازرسی از زندان‌های ایران، حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی و درخواست جلوگیری نهاد‌های بین‌المللی از جنایات جدید در زندان‌های ایران، محورهای اصلی این قطعنامه را تشکیل می‌دادند.

در پایان یک هیئت نمایندگی از طرف تظاهر کنندگان با یکی از معاونین دبیر کل یونسکو در دفتر وی ملاقات نمود. او ضمن استقبال از حرکت اعتراضی مزبور علیه نقض حقوق بشر در ایران، اعلام نمود که قطعنامه صادره از سوی تظاهر کنندگان را بلافاصله به دفتر مرکزی یونسکو در سازمان ملل مخابره خواهد کرد.

خبر تظاهرات و خواستهای تظاهر کنندگان توسط خبرگزاری فرانسه به سراسر جهان مخابره شد و در چند روزنامه فرانسوی انعکاس یافت.

به دنبال فراخوان کمیته مرکزی سازمان، کمیته فرانسوی همبستگی با مردم ایران با صدور یک اطلاعیه مطبوعاتی از مردم فرانسه دعوت کرد در روز دوشنبه ۱۰ فروردین در مقابل دفتر یونسکو در پاریس تجمع نموده، همگام با سایر تظاهر کنندگان در شهرهای مختلف جهان اعتراض خود را نسبت به دستگیری هزار فدایی خلق طی سال گذشته اعلام کنند.

اگر چه پلیس از برگزاری تظاهرات در مقابل درب اصلی ساختمان یونسکو جلوگیری به عمل آورد اما تظاهرات در ۵۰ متری همین محل و زیر باران شدید برگزار گردید. تظاهر کنندگان با شعارهای کوبنده "در ایران شکنجه می‌کنند و می‌کشند"، "خمینی قاتل است" و... توجه عابریں را به خواسته‌های خود جلب نموده با ابراز احساسات آنها روبرو شدند. در این تظاهرات قطعنامه‌ای به تصویب رسید. آزادی



بولین غربی: اعتراض به شکنجه و نقض حقوق بشر در ایران

پایان این دیدار سخنگوی مطبوعاتی حزب سوسیال دمکرات در برلین غربی اطلاعیه‌ای مبنی بر اعلام این حرکت فداییان خلق در برلین غربی و شکنجه و نقض حقوق بشر در ایران صادر کرد. متن این اطلاعیه در روزنامه‌های "وارهایت" و "تاکس تسایتونگ" درج گردید. در این اقدام اعتراضی نمایندگان از حزب توده - واحد برلین غربی نیز فداییان راهبرای می‌کردند.

بعد از ظهر همان روز نیز هیئتی از فداییان در محل دفتر سازمان عفو بین‌الملل در برلین غربی حضور یافت و آخرین اطلاعات پیرامون وضعیت زندانهای ایران را در اختیار مسئولین این دفتر گذاشت.

روز سه‌شنبه ۱۱ فروردین فداییان خلق به دفتر مرکزی حزب سوسیال دمکرات آلمان - برلین غربی، مراجعه نمودند. در ساختمان دفتر، نمایندگان از سوی فداییان با یکی از مسئولین این حزب دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار فداییان پیرامون وضعیت مرارت بار زندانیان سیاسی ایران و فداییانی که خطر مرگ زندگی‌شان را تهدید می‌کند، توضیحاتی دادند. سپس ترجمه آلمانی فراخوان کمیته مرکزی سازمان و اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی سازمان در اروپا در اختیار ایشان قرار گرفت و خسواسته شد در جهت آگاهی افکار عمومی در این شهر همه امکانات بکار گرفته شود. در

اسلامی، علیه ترور در ایران اعتراض کنید.

۲ - از رژیم ایران بخواهید به ناظرین بی‌طرف جهت دیدار با زندانیان سیاسی ایران اجازه ورود بدهد.

۴ - از دولت‌ها بخواهید که خواهان رعایت حقوق بشر و آزادی زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی شوند.

فداییان خلق علاوه بر این در شهرهای بوخوم، گوتتهنگن، کاسل و هامبورگ نیز اقدام به تظاهرات ایستاده نمودند. در این حرکت های اعتراضی هزاران نسخه اعلامیه در افشای جنایات رژیم خمینی پخش گردید و بسیاری از مردم همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام نمودند.

در این اعتراضیه ضمن اشاره به یورش متمرکز رژیم خمینی علیه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و قتل فداییان خلق مسعود حجتی و شیدا بهزادی در زیر شکنجه در ماههای اخیر، برخواست آزادی زندانیان سیاسی ایران و رعایت حقوق بشر در کشورمان تاکید شده است.

بقیه از صفحه اول

نگاهی به لایحه بودجه سال ۱۳۶۶

بودجه سال ۶۶، بحران بزرگ شده

این همه نیز، رژیم را از کار تخصص بخش اعظم درآمدهای ارزی و ریالی کشور به امر جنگ باز نداشته است. رژیم کتمان نمی‌کند که جنگ محور اصلی و نخست بودجه کشور است. رژیم خمینی پوشیده نمی‌دارد که تمام تاکیدات مسئولین بر امر صرفه‌جویی اکید و کاربست شیوه‌های اسماک جویانه در همه شئون اقتصادی و اجتماعی، شامل عرصه نیازهای جنگ نمی‌شود و حتی بیش از آن، رژیم مبلغ سخاوتمندی ویژه در تخصیص اعتبار به امر جنگ و نژامیکری است.

بودجه سال ۶۶ نیز به سبب بودجه سال قبل بر اساس "برنامه نوین اقتصادی" تنظیم شده است. "برنامه نوین اقتصادی" بودجه محصول آن، در واقع تکرار همان برنامه کهنه‌ای است که بار اصلی بحران و جنگ را به زحمتکشان تحمیل کرده، تا بر اساس آن بر شتاب چرخهای ارابه جنگی بیافزاید. دری نجف آبادی بهنگام ارائه لایحه بودجه سال ۶۶، یکبار دیگر تاکید کرد که جنگ و تامین اعتبار ریالی و ارزی آن، در راس این لایحه و بمشابه مبرمترین مسئله همه برنامه‌های اقتصادی رژیم محسوب می‌گردد.

به لحاظ عملی ممکن نیست که سهم غفرت جنگ را دقیقاً از خلال ارقام و آمار ارائه شده در لایحه بودجه مشخص نمایم. اقتصاد جنگ‌زده، اقتصاد جنگی، در واقع جز حاکمیت بی‌چون و چرای جنگ بر اقتصاد، معنای دیگری ندارد. حد و حدود ارقام داخلی بودجه جنگی رژیم خمینی را از بخشنامه‌های موسوی نخست وزیر، مبنی بر اختصاص همه امکانات وزارتخانه‌ها، نهادها و دوائر دولتی به امر جنگ، از اعتراف دولتمردان رژیم به اختصاص بخش قابل توجهی از بودجه عمرانی و بودجه وزارتخانه‌ها و موسسات انتفاعی دولتی به امر جنگ، باید تخمین زد.

در لایحه پیشنهادی بودجه سال ۶۶ دولت جمهوری اسلامی، میزان بودجه جنگ ۴۲۰ میلیارد ریال پیش بینی شده بود که کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی ۲۳۰ میلیارد دیگر بر آن افزود و بدین ترتیب بودجه جنگی اعلام شده رژیم

پول ارزش خود را باز هم بیشتر از دست می‌دهد و عرضه کم کالاها، زندگی زحمتکشان را به فلاکت بی‌سابقه‌ای می‌کشاند.

اقتصاد کشور تنها بحران زده نیست، جنگ زده هم هست - جنگ و بحران از هم تغذیه می‌کنند، بحران اقتصادی و هراس رژیم از پی آمدهای سیاسی آن، دولتمردان را بر آن می‌دارد که بیشتر بر آتش خانمانسوز جنگ همبسته نهند و جنگ بر آنچه از فروش "تروتهای ملی" تحصیل می‌گردد، جنگ فرومی‌برد. و بار همه اینها، تنها و تنها بردوش فروشندگان نیروی کار و مصرف کنندگان کالاها سنگینی می‌کند. هم بحران اقتصادی و هم جنگ و پیشوای آنان حکومت خمینی جز خانه خرابی بیشتر و تشدید

مقایسه درآمد مالیاتی و درآمد نفتی رژیم (واحد میلیارد ریال)

سال	درآمد مالیاتی پیش بینی شده	درآمد مالیاتی تحصیل شده	درآمد نفتی پیش بینی شده	درآمد نفتی تحصیل شده
۵۹	۲۴۰	۲۴۰	-	-
۶۰	۵۵۰	۵۵۰	-	-
۶۱	۶۱۰	۶۱۰	-	-
۶۲	۷۹۷	-	۱۹۹۶	۱۶۸۷
۶۳	۸۷۲	۸۹۸	۲۰۵۱	۱۱۶۶*
۶۴	۱۱۲۰	۱۰۲۲	۱۸۶۷	۱۱۵۰
۶۵	۱۱۶۰/۴	۱۰۵۰	۱۴۰۰	۲۷۵
۶۶	۱۱۲۲/۵	?	۸۵۷	?

* درآمد نفت بازده ماهه سال ۶۳

این جدول بر اساس آمارها و داده‌های رسمی تنظیم شده است.

فقر و محرومیت توده‌ها، سیاست دیگری را ببار نمی‌آورند.

جنگ و بودجه، بودجه جنگی

مالی مقاله‌ای در "اکثرت" شماره ۱۴۹، تصویری از وضعیت نابهنجار و ناپسامان اقتصادی کشور ارائه کردیم. در آن مقاله اشاره شد که چرخهای بسیاری از صنایع بزرگ و کوچک کشور از دور تولید باز مانده‌اند. در آن مقاله از اژدهای بیکاری، از توس رام ناشدنی تورم، از بی‌مسکنی و کمپایی و نایابی کالاها، از مالیاتگیری بی‌رویه و سیاست تشدید عوارض، از متوقف شدن طرحهای عمرانی و... سخن رفت. اما

افتد، ولی پوشیده نماند که کسری بودجه سال ۶۵ (که گویا تا دینار آخرش را هم حساب و کتاب کرده بودند)، چند بار بیش از باور خام (!) متوفیان رژیم گردید. دری نجف آبادی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی فاش ساخت که درآمدهای رژیم در سال گذشته نزدیک به نصف آنچه که پیش بینی کرده بودند، کاهش یافت. وی گفت: "در باره بودجه سال گذشته گفتیم که این بودجه منهای شرایط جدید نفع است. ما می‌گفتیم این درآمدها قابل وصول نیست. این افزایش ما وقتی بی‌حساب صورت می‌گیرد بعد سیاست گذاری مجلس زیر سؤال می‌رود. وقتی بودجه‌ای را در سقف ۲۶۰۰ میلیارد تصویب کنیم و عملاً ۲ هزار میلیارد

دقیق در جمهوری اسلامی محلی از اعراب ندارد. زنجانی وزیر برنامه و بودجه رژیم پیش از این فاش ساخته بود که سیاستهای اقتصادی جمهوری اسلامی بیش و پیش از آنکه به برنامه‌ریزی وابسته باشد، از "برنامه‌روزی" متأثر است. جریان بحث و تصویب لایحه بودجه سال ۶۶ نیز، به تمامی موبد این موضوع است. کمیسیون برنامه و بودجه مجلس به سولت چند صد میلیارد ریالی به برخی از افزود و از برخی دیگر کاست. از اینرو و از زاویه تحلیل و ارزیابی موقعیت اقتصادی کشور، نمیتوان تحلیل بودجه کشور را امری جدی تلقی کرد. واقعیت و تجربه سالیان گذشته گواه این حقیقت است که سیر و روند تحولات اقتصادی جامعه در خارج از چارچوب آمارها و ارقام داده شده در لوایح بودجه حرکت کرده‌اند. درآمدهای پیش بینی شده هرگز تحقق نیافته‌اند و محور هزینه‌ها نیز عموماً "نمودار انتثار" رژیم را فروشکافته و بسی فراتر رفته‌اند. عموماً اینگونه شده است که به لحاظ غیر واقعی بودن ارقام منظور شده در بودجه، بودجه سالانه جای خود را به بودجه‌های یک ششم و یک دوازدهم داده و دست آخر هرازگاهی با صلاحدید و چرتکه انداختن مسئولین، از بیت‌المال، رفع نیاز و حوائج کرده است.

لایحه بودجه جمهوری اسلامی، در واقع چهره بزرگ کرده اوضاع آشفته اقتصادی میهن است. آمارهای مندرج در لایحه بودجه گرچه واقعی نیستند، اما به خودی خود پرده از سیاستها و امیال حکام رژیم برمی‌گیرند.

بودجه، بحران و جنگ

بحران اقتصادی جمهوری اسلامی، واقعیتی است غیر قابل انکار. این بحران دیر زمانی است که در محدوده این عرصه و بی آن عرصه حیات اقتصادی میهن باقی نمانده و چون حاکم مقتدری فعل و انفعالات اقتصادی را تحت سیخه خود در آورده است. رژیم سخت در تلاش است تا با لایحه بودجه، پرده ساتری بر اوضاع فلاکت بار اقتصادی میهن بکشد. اما بحران اقتصادی هیچگاه راز ناگفته‌ای نمی‌تواند بماند. فرمانروای مستبدی است که آثار حاکمیتش را توده‌ها با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند. با آنکه نمایندگان در مجلس موظفاً کوشیده بودند که تا مبادا "اسرار اقتصادی" از پرده برون

جوخه‌های اعدام در کارند

بقیه از صفحه اول

اعدام می‌نهد.

تنها در هم کوفتن رژیم به دستگیریه‌ها و اعدامها نقطه پایان خواهد نهاد. اما جریان مبارزه همزمان از مجراهای مختلفی می‌گذرد که همه رو به سوی یک هدف دارند: سرنگونی جمهوری اسلامی. رژیم در همه وجوه خود باید افشاگرده و از هر سو باید مورد هجوم انقلابی قرار گیرد. بخش مهمی از انرژی و فعالیت مبارزاتی ما بر روی افشاکاری در مورد جنایات رژیم در زندانها متمرکز است. باید بر شدت جریان مبارزه در این مسیر بیفزاییم. هر چه بحران بیشتر گسترش می‌یابد، رژیم بیشتر تشنه خون انقلابیون اسیر می‌گردد. به یاختیم و فریادهای رزمجویانه انقلابیون در بند را پرطنین‌تر در چار سوی جهان بازتاب دهیم. خروش متحدانه ما قادر است در برابر رگبار کلوله‌های جوخه‌های اعدام، سد ستبری از خشم و نفرت همه جهانیان بر پا سازد و در نجات جان زندانیان میسر باشد. مبارزه خود را در این راستا شدت بخشیم.

تاکنون عده‌ای از رفقای ما اعدام شده و یازیر شکنجه کشته شده‌اند که اسامی آنها - تا جایی که قابل تحقیق بود - از سوی سازمان اعلام گردیده است. گام بعدی رژیم در رابطه با سازمان ما کشتارهای دسته جمعی بیشتر است. طبیعتاً رژیم برای این که صدای رگبار جوخه‌های اعدام عق تپه‌کاری و جنایت پیشکی فقها را عیانتر نسازد، اعدامها را در خفا انجام خواهد داد و حتی تا جایی که مقدور باشد خانواده اعدام شدگان را مطلع نخواهد ساخت، و در عین حال به هیامونی تبلیغاتی مشابه با مصاحبه اخیر قائم مقام وزارت در میان مردم است، رو خواهد آورد. هر چه می‌گذرد خمینی بیشتر به خون مبارزین تشنه می‌گردد. بحران همه جانبه‌ای پنجه بر کلوی خمینی می‌فشارد، از همین‌روست که رژیم، ناتوان از مقابله با بحران و سقوط ناکزیر، به انتقام ستانی رومی آورد و زندانیان را دسته دسته در برابر جوخه

سرکوبگران رژیم در سال‌های اخیر، هیچگاه رژیم موفق به خاموش ساختن شعله مبارزه در خرم آباد، بروجرد و بسیاری دیگر شهرهای لرستان نشده است. حرکت‌های اعتراضی مردم، درو دیوار شهر که دائماً با شعارهای ضد رژیم مزین می‌شوند، اعلامیه و نشریات پخش شده که بخش اعظم آنها راه‌آورداران و همچنین ازدحام دائمی خانواده زندانیان سیاسی در مقابل زندان‌های شهروگاه این مبارزه حاد و سخت است.

در خرم آباد زندانیان سیاسی عمدتاً در دو زندان نگهداری می‌شوند: محل سابق زندان ساواک در منوچهرآباد که اکنون نیز زندان ساواک خمینی است و زندان زیر قلعه فلک الافلاک. دستگیر شدگان را ابتدا به زندان منوچهرآباد می‌برند تمامی مراحل بازجویی و شکنجه در آنجا صورت می‌گیرد. معمولاً پس از پایان بازجویی زندانیان به زندان دیگری که در زیر قلعه فلک الافلاک و محل پادگان امام حسین سپاه است برده می‌شوند. با افزایش تعداد زندانیان، بسیاری زندانیان را همچنان در زندان منوچهرآباد نگاه می‌دارند. از آنجا که بسیاری از مبارزین را مخفیانه می‌ربایند و هیچگونه اطلاعی نیز به خانواده‌های آنان داده نمی‌شود، بطور دائم تعدادی از خانواده‌های زندانیان در مقابل زندان ازدحام می‌کنند. آنان خواهان اطلاع یافتن از وضعیت فرزندان و ملاقات با وی هستند. اعضای هر خانواده حضور در مقابل زندان را شوقی کرده‌اند.

علاقه و اعتماد گسترده مردم به سازمان و صداقت، صمیمیت، شخصیت قوی و پیوندهای عمیق فدائیان دستگیر شده خود به عاملی جهت ابراز انزجار از رژیم و حمایت بیشتر از سازمان تبدیل شده است. اظهار ممدردی، سرکشی به خانواده رفقای دستگیر شده، بیگیری وضعیت زندانیان و ابراز پشتیبانی از آنان بسیار گسترده است. در این زمینه تنها یک نمونه ذکر می‌شود:

در مراسم شب هفت فوت... از بستگان رفیق... مردم روستای وی و بسیاری روستاهای اطراف جمع شده بودند. سخن فقط از دستگیری رفیق... بود. در این هنگام زنی برخاست و فریاد زد: "مردم، آیا می‌دانید اینها را برای چه دستگیر کرده‌اند؟ اینها همانهایی هستند که شاه را بیرون کردند و حالا می‌خواهند خمینی را بیرون کنند."

موسسه ما چیزی ندارد که بدهد. گفتند کامیونتان را بدهید و رویش بنویسید هدیه به جبهه‌های جنگ.

خوب است کاروانی که از ائشر راهی جبهه‌ها شد را توصیف کنیم؛ تعدادی کامیون روانت که هر کدام بیش از ۵۰ کیلو بار همراه نداشتند که آنهم در لابلای برزنت پوشیده شده بود شاید هم اصلاً کارت‌ها خالی بودند. در یک وانت نیسان فقط یک گوسفند لاغر و مردنی حمل می‌شد. مردمی که شاعر قضیه بودند می‌گفتند اگر هدف تبلیغ نباشد همه اینها را می‌توان با یک کامیون حمل کرد.

از شیوه‌های دیگر تبلیغی رژیم قربانی کردن گوسفند در جلو این کاروان هاست. اما اصل قضیه این است که کشتن گاو و گوسفند در بیرون از کشتارگاه دولتی ممنوع است. به محض عبور یک کاروان، فرصت طلبان سودجو احشام مریض و مردنی خود را در جلو آنها سر می‌برند. بدین طریق از یک سو رژیم آن را حمایت مردم از جنگ و انشود می‌سازد و از سوی دیگر این سودجویان احشام مریض را به عنوان گوشت تازه با چند برابر قیمت به فروش می‌رسانند.

کوچه‌ها و خیابانهای شهر پر است از حمله‌هایی که برای قربانیان جنگ و بمباران‌ها برپا شده است. در هفته دو روز یعنی روزهای دوشنبه و چهارشنبه جسد قربانیان جنگ را تشییع می‌کنند. ولی قربانیان بمباران‌های اخیر و همچنین عملیات کر بلای جبهه‌ها آندرز زیاد بود که دیگر دو روز هم کفایت نمی‌کرد. مدت هاست که بخشی از سردخانه‌های مواد غذایی شهر، سردخانه طالقانی و سردخانه شرکت مجال به نگهداری اجساد کشته شدگان جنگ اختصاص یافته است. در روزهای تعیین شده چند جنازه تشییع می‌شود و بقیه جنازه‌ها مخفیانه بکور سپرده می‌شوند. بطور مثال یک روز که قرار بود ساعت ۹ صبح اجساد قربانیان کشته شدگان ساعت سه نیمه شب راه‌های ورودی به گورستان خزر، گورستان شهر خرم آباد مسدود گردید. عوامل رژیم تمامی اجساد را شبانه بخاک سپردند. روز بعد که خانواده‌ها حضور یافتند تنها گور عزیزانشان را به آنها نشان دادند.

خرم آباد، شهر مبارزان پر شور

علیرغم تمامی کوشش‌های

بسی خوں پیچید به هر سال و پند

شاید از آن دستاق کین به گوش
غیر آهی جانگذاز و شیونیی

در حصار بویونکایی، اینچنین
روزی بر نوبهاری باز نیست
هری خون پیچید به هر سلول و بند
شامه ای با شکستی دسان نیست

در شب تاریک آن بندستم
خرمن باروت خشم توده هاست
آه کوآن آذرخش آگهی
اخگر سوزان آزادی کجاست؟

من به امید کدام آتشفشان
این سوی زندان شب استاده ام؟
می‌روم، با آتشی هر چند خرد
ز آنکه خود از مام محنت زاده ام

می‌روم در محبس تاریک خلق
رهگشایم، آتش جان منست
آخر این زندان جانفرسای خلق
خاک خون آنود ایران من است.
۶۵/۸/۲۶ م. کاوه

اندر آن زندان که هر دم، ناله ای
از هزاران شای می‌آید به گوش
و ندر آنجا کز شکنج بی امان
عاقبت، هر ناله ای گردد خروش،

تیر جوید آشیان سپنه را
مرگ، پشت میله ها در انتظار
زندگی را چنگ محنت بر گلوست
بیکر عشاق آزادی، به دار

تا زبانه چهل از اندام عشق
می‌مکد هر لحظه خون تازه ای
هوست، سرهای عاشق، می‌شود
دفتر بیداد را شیرازه ای

اندر آن زندان که از شادی تهی ست
ماداران، خاموش، بغض آلوده، سرد
مردهارا میخ بیکاری به پاست
کودکان نوشند از پستان درد

کوچه‌ها، لبریز از تابوئهاست
هر نفس، مویذ زانده‌وی، زنی

که هرگز نمی‌اندیشد عمران کشور است. از اینرو بودجه عمرانی کشور همه ساله کاهش می‌یابد و این تنها قلم هزینه‌ای بودجه است که نه تنها افزایش نیافته و نمی‌یابد، بلکه شامل حال "اصرار بر تجمع صرفه‌جویی" می‌گردد. دری نجف‌آبادی اعلام کرد: "در رابطه با بودجه‌های عمرانی، سقف بودجه اعتبار عمرانی دولت را کاهش دادیم." (کیهان هوایی - ۲۷ اسفند ۶۵). کاهش بودجه عمرانی در شرایطی صورت می‌گیرد که بودجه جاری مستمرا افزایش می‌یابد. میزان بودجه جاری پیش بینی شده لایحه بودجه سال ۶۶، بالغ بر ۲۹۱۲ میلیارد ریال اعلام شده است. رژیم در سال جاری نیز خواهد کوشید بخش اعظم هزینه‌های عمرانی را به توده‌های مردم تحمیل کند و بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه عمرانی را نیز به کام عفریت جنگ بریزد.

رژیم میزان کسری بودجه سال جاری را "رسم" ۱۰۰۰ میلیارد ریال اعلام کرده است که ۹۵۰ میلیارد ریال آن از طریق استقراض از بانک مرکزی تامین خواهد شد. خود رژیم نیز می‌داند و بدان معترف است که کسری بودجه واقعی سال جاری از این رقم نجومی نیز فراتر خواهد رفت. یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان بحث و فحص لایحه بودجه اظهار داشته بود: "نمایندگان محترم می‌دانند که استقراض و کسری واقعی بودجه علاوه بر ۹۵۰ میلیارد ریال، ارقام مربوطه مالیات مرتب‌بناخت، تبصره ۲ و عدم تحقق رقم پیش بینی شده مربوطه سایر منابع تامین، موارد دیگر استقراض است." (کیهان هوایی ۲۷ اسفند ۶۵). و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز فاش ساخته است: "واقعا و وجدانا این بودجه کسش ندارد بیش از ۹۵۰ میلیارد ریال استقراض رسمی را بگذاریم. ۱۵۰ میلیارد تبصره ۲۲ هم استقراض است. یعنی این الان رسماً ۱۱۰۰ میلیارد استقراض که بیش از این سیستم بانکی هم این قدر فشار را نمی‌تواند تحمل کند." (همانجا).

لایحه بودجه سال ۶۶ در عین حال که بازتابگر اوج بحران اقتصادی است، جلوه‌ای است از سیاستهای ضد مردمی رژیم خمینی. بودجه سال ۶۶، حکایتگر تشدید فقر و فاقه عمومی است. زندگی مردم میهن زیر سایه سیاه بحران، جنگ و حکومت فقها، زندگی پس دشواری است. خشم و انزجار مردم پابهای تشدید بحران اقتصادی، فزونی می‌گیرد و رژیم از بی‌آمدهای سیاسی آن قویا در هراس است.

داریم که گازوئیل را بدهیم هر لیتر ۲ ریال، بنزین را بدهیم لیتری ۲ تومان، یا نفت سفید را لیتری ۲/۵ ریال؟"

زمانی به عق سیاست ضد مردمی افزایش مالیاتها می‌توان پی برد که دانسته شود بخش اعظم این مالیاتها به عهده صاحبان ثروت، بلکه بردوش محرومان و زحمتکشان سنگینی می‌کند. از سوی دیگر افزایش میزان مالیاتها با توجه به کاهش درآمدهای نفتی میتواند بازتاب دهنده اوج فشار اقتصادی باشد که رژیم به مردم تحمیل می‌کند. در سال ۶۲ رقم قطعی مالیات وصول شده بالغ بر ۸۹۸ میلیارد ریال بود، این رقم در سال ۶۴ به ۱۰۲۲ میلیارد ریال، در سال ۶۵ به ۱۰۵۰ میلیارد ریال و در لایحه بودجه سال ۶۶ به ۱۱۲۲/۵ میلیارد ریال افزایش یافته است. هزینه‌های نظامی رژیم جنگ افروز خمینی بسیار سنگین است و رژیم برای به حرکت درآوردن ارابه‌های جدید جنگی تنها یک راه می‌شناسد: تشدید فشار به محرومین و توده‌های زحمتکش میهن.

هزینه‌های مہار ناشدنی

کسری بودجه رژیم همه ساله محصول دو عامل بوده است. عامل نخست اینکه درآمدهای پیش بینی شده هرگز تحقق نیافته‌اند، عامل دیگر اینکه هزینه‌ها نیز هرگز محدود و به پیش‌بینی‌های رژیم نمانده‌اند. بدین گونه است که کسری بودجه واقعی همواره برآتب بیش از کسری بودجه پیش بینی شده از کار درمی‌آید.

ستون هزینه‌های بودجه عبارت است از: ۱- بودجه جاری ۲- بودجه عمرانی ۳- سایر پرداختها، رژیم جنگی افروز و ضد مردمی طبعاً به تنها چیزی

میلیارد ریال بود که بنا به اعتراف مسئولین رژیم، در دوازده ماه سال ۶۵ تنها ۲۷۵ میلیارد ریال آن بدست آمد. با آنکه درآمد نفتی پیش بینی شده در لایحه بودجه سال ۶۶ کاهش یافته است، ولی برخی از مسئولین رژیم، و از جمله تنی چند از نمایندگان مجلس نیز، میزان درآمدهای نفتی پیش بینی شده در لایحه بودجه را غیر واقعی خواندند و اعلام داشتند که رژیم قادر به تحمیل این مقدار درآمد نفتی نیز نمی‌باشد.

افزایش بی‌رویه مالیاتها

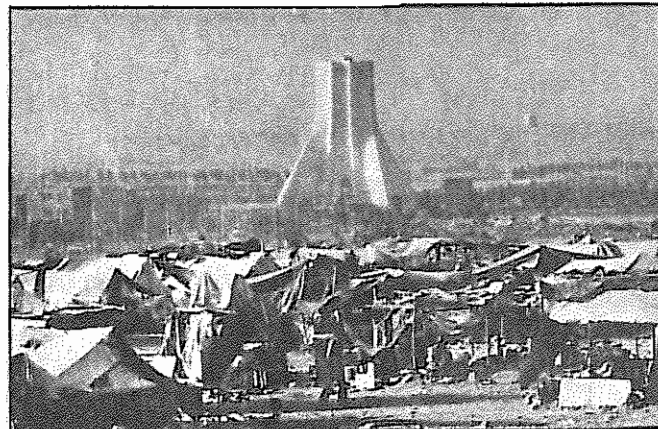
نیازی به تکرار و تاکید نیست که بخش اعظم درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم متاثر از درآمدهای ارزی و ریالی ناشی از صدور و فروش نفت می‌باشد. رژیم خمینی که از درآمد کلان نفت امید گسته است در سال جاری بر مالیات گیری و عوارض بندی تاکید ورزیده است. برای نخستین بار در سالهای اخیر، درآمدهای مالیاتی در کل درآمدهای بودجه در مقام نخست قرار گرفته است. در لایحه بودجه سال ۶۶ بر ۱۱۲۲/۵ میلیارد ریال در نظر گرفته شده و این در حالی است که بخش قابل ملاحظه‌ای از ستون سایر درآمدهای بودجه نیز شکلی از عوارض-بندی جدید محسوب می‌گردند. به عنوان نمونه رژیم در سال جاری بر فروش ارز عوارض جدیدی وضع کرده است. حتی بار دیتتر بهای فرآورده‌های نفتی در داخل کشور را افزایش داده‌اند. حجت الاسلام دری نجف‌آبادی بهنگام قرائت لایحه بودجه، اظهار داشت: "ما چه ادعایی

بالغ بر ۶۶۰ میلیارد ریال گردید. با افزودن سایر هزینه‌های نظامی و جنگی از قبیل ۵۰ میلیارد ریال "بودجه تامین اعتبار پناهگاهها و پدافند" و همچنین بخشی از بودجه ارگانهای امنیتی و دستگاههای عسیده سرکوب، بودجه جهاد سازندگی، وزارت راه و... میتوان صراحتاً اعلام کرد که بخش عظیمی از درآمدهای ارزی و ریالی کشور در سال جاری نیز به کام جنگ خواهد ریخت. در یک کلام، رژیم عفریت جنگ را از شیر جان مردم پرور می‌کند.

بودجه و نفت

برای نخستین بار در سالهای اخیر سهم نفت در ستون درآمدهای کشور از مقام نخست به مقام دوم تنزل کرد. این کاهش سهم نفت در تامین درآمدهای دولت، نه تنها حرکتی در راستای رهایی از اقتصاد "پتrodollar" محسوب نمی‌گردد، بلکه جلوه‌ای از حدت بی‌سابقه وخامت اقتصادی است. ستون درآمدهای بودجه، شامل درآمدهای ناشی از نفت، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهاست. اقتصاد "پتrodollar"، اقتصاد وابسته تک محصولی، یعنی وابستگی بیش از ۹۵ درصد درآمد ارزی کشور به درآمدهای نفتی، یعنی وابستگی بخش اعظم "سایر درآمدها" و درآمدهای مالیاتی به درآمدهای نفتی. (رجوع شود به مقاله پیش گفته - "اکثریت" شماره ۱۴۹). بدنبال کاهش بهای نفت در بازارهای جهان و کسری بودجه در ابعاد نجومی ۲۰۰۰ میلیارد ریالی سال ۶۵ که محصول مستقیم و بی‌واسطه آن بود، رژیم در سال جاری، سیاست خود را معطوف به مالیات گیری گسترده نمود. رژیم خمینی با توسل به تبلیغات گسترده کوشیده است چنین وانمود سازد که کاهش نقش نفت در بودجه کشور تحول مثبتی است. این در حالی است که تولید داخلی شدیداً کاهش یافته و تاکید رژیم بر درآمدهای مالیاتی و سیاست عوارض گیری گسترده، معنائی جز تشدید فشار بر محرومان، معنائی جز افزایش تورم در بر ندارد.

در لایحه بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۶۶، میزان درآمدهای نفتی کشور، معادل ۶۷۲ میلیارد ریال پیش بینی شده بود که کمیسیون برنامه و بودجه مجلس آنرا به ۸۷۶ میلیارد ریال افزایش داده است. باید خاطر نشان ساخت که میزان درآمدهای نفتی پیش بینی شده در بودجه سال ۶۵، بالغ بر ۱۴۰۰



حلقه‌ای از کربند حاشیه‌نشینان که در آدور تهران را با زاغه‌های خود پر کرده‌اند. فلاکت اقتصادی در سال جاری این کربند را ضخیم‌تر خواهد ساخت. تحمیل این همه فلاکت به مردم بی‌پایخ نخواهد ماند. آزادی دور از دسترس نیست.

۲- ديكتاتورى انقلابى - دمکراتيک کارگران و دهقانان و فراويى انقلاب بورژوا-دمکراتيک به انقلاب سوسياليستى.

هژمونی پرولتاریا

در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، تیره‌های اپورتونیستی در انترناسیونال دوم فیرو گرفتند، تئوریسین‌های انترناسیونال دوم درباره گذار به سوسیالیسم نظریه‌ای غیر مارکسیستی ترویج می‌کردند که روس آن چنین بود:

۱- طبقه کارگر در انقلاب سوسیالیستی از حمایت هیچ طبقه دیگری برخوردار نیست و با مقاومت کل بخش غیر پرولتری جامعه روبرو است. این ادعا در تضاد با "مانیفست حزب کمونیست" قرار داشت که می‌گوید کمونیست‌ها هیچ منفعتی جز منافع زحمتکشان نمی‌دارند.

۲- سوسیالیسم تنها در جایی تحقق پذیر است که پرولتاریا اکثریت کمی جنبش را تشکیل دهد. این نظریه، سیاست صبر و انتظار را تبلیغ می‌کرد و طبقه کارگر بسیاری از کشورها را به بی‌عطفی سیاسی محکوم می‌نمود.

۲- "بیکجرتین": اپورتونیست‌ها به سرکردگی برنشتاین از آنچه ذکر شد چنین نتیجه می‌گرفتند که انقلاب سوسیالیستی بیپرده است، دیکتاتوری پرولتاریا ضروری نیست، زیرا سرمایه‌داری خناسبات و نهادهای دمکراتیکی ایجاد کرده که کاملاً "انصاف پذیر، متحول و بالنده" اند. بنابراین بر خلاف نظر مارکس، این نهاد را نباید در هم شکست، بلکه باید آنها را "کامل" بخشید.

تجارب انقلاب ۷-۵-۱۹ روسیه و کل جنبش کارگری اروپا لنین را بدین نتیجه‌گیری رهنمون گردید که تا محو طبقات در مقیاس جهانی هژمونی، یعنی نقش تعیین کننده در یکارزمایی بخش بر عهده پرولتاریا قرار گرفته است. این هژمونی که باید در همان انقلاب بورژوا-دمکراتیک کسب شود و بویژه از طریق پیوند مستحکم با دهقانان تحقق می‌یابد، به نقش رهبری پرولتاریا در انقلاب سوسیالیستی فرا می‌رود.

طبقه کارگر در انقلاب سوسیالیستی نیز تنها نیست، بلکه اتحاد گسترده‌ای از زحمتکشان حول طبقه کارگر تشکیل می‌شود. هیچ انقلاب سوسیالیستی "ناب"ی وجود ندارد که در آن تنها طبقه کارگر در یک سو بورژوازی در سوی دیگر صف بکشند. در روند انقلاب، وظایف دمکراتیک و سوسیالیستی همواره در هم آمیخته‌اند و البته در هر مرحله از رشد آن، بگونه‌ای دیگر تلفیق می‌گردند.

لنین با ارزیابی از شرایط تغییر یافته مبارزه طبقاتی در سطح ملی و بین‌المللی چنین نتیجه می‌گیرد که در دوران جدید، فرجام انقلاب بورژوا-دمکراتیک بسته به آن است که طبقه کارگر به عنوان دستیار و زائده بورژوازی و یا به عنوان رهبر انقلاب خلق عمل کند.

بورژوازی روس که در پیوند تنگاتنگ با تزاریسم قرار داشت، توان رهبری انقلاب بورژوا-دمکراتیک را از دست داده بود، اما اپورتونیست‌ها به هر تلاشی دست می‌زدند تا طبقه کارگر "فناعت" پیشه کند و دست به کاری نزنند که بورژوازی "برمد". طبقه کارگر روسیه در مقابله‌ای سخت با این تلاش‌ها بیکار گذاشت خود را تا آن حد گسترش داد که توانست نقش رهبری را در انقلاب تمام خلقتی روسیه برعهده گیرد. تنها تحت رهبری طبقه کارگر بود که در روسیه وظایف انقلاب بورژوا-دمکراتیک به نحوی بیکار انجام گرفت.

آیا یک طبقه کارگر به لحاظ کمی ضعیف در کشوری با جمعیت عمدتاً دهقانی اصولاً می‌تواند در مبارزه انقلابی رهبری را برعهده بگیرد؟ لنین از نقطه نظر تئوریک، انقلابات از ۱۹۰۵ به بعد از نقطه نظر عملی، نشان دادند پاسخ این پرسش مثبت است؛ آری، بر پایه یک حد اقل کمی که تاریخ معین



دیباچه‌ای بر "دو تاکتیک"

بود. این نکته به بحران حزب که از ۱۹۰۲ جریان داشت، خاتمه داد. حزب را از لحاظ تشکیلاتی به سطح تئورینی ارتقا داد و تاکتیک سیاسی، حزبی را در نخستین انقلاب روس تعیین کرد.

سه اردوگاه

انقلاب بورژوا-دمکراتیک روسیه در قیاس با اکثر کشورهای اروپای غربی تأخیر کرده بود. در اروپای غربی این انقلابات زمانی به وقوع پیوسته بود که بورژوازی مهر خود را بر آن می‌کوبید. اما در روسیه چنین نبود. در روسیه، سه اردوی متخاصم درگیر مبارزه بودند: اردوی دمکراتیک به رهبری پرولتاریا که می‌خواست رژیم تزاری را برکنون و جمهوری دمکراتیک را برپا سازد، اردوی بورژوازی - لیبرال که هدفش سلطنت مشروطه و پراکندن جنبش انقلابی خلق بود، و اردوی دولت تزاری و بزرگ مالکان که کمر به حفظ استبداد تزاری و جلوگیری از تحولات اجتماعی بسته بود. با بلوغ انقلاب بورژوا-دمکراتیک علیه تزاریسم و مناسبات برده‌گی آور عمیقاً فئودالی، بورژوازی نقش خود به مثابه پرچمدار ترقی اجتماعی را بطور عمده از دست داده بود. در این انقلاب، پرولتاریا عهده‌دار وظیفه بدست گرفتن رهبری گردید.

"دو تاکتیک" شامل یک مقدمه، سیزده فصل و یک موخره است. "خط‌سرخ" کتاب در مقدمه تشریح شده است. فصل اول به توضیح پیرامون قطعنامه کنکره سوم تحت عنوان "در باره دولت موقت انقلابی" اختصاص دارد. لنین در فصل دوم نشان می‌دهد که به علت شرایط عینی و ذهنی، انقلاب خصمت بورژوا-دمکراتیک دارد. در فصل‌های بعدی، وی تضاد بنیادین تاکتیک انقلابی و رفرمیستی را آشکار می‌سازد. لنین در مبارزه‌ای سخت با اپورتونیسم، حمایت طبقاتی دمکراسی و نتایج حاصله از آن و نیز پیوند گسست ناپذیر مبارزه در راه دمکراسی با مبارزه در راه سوسیالیسم، مبارزه در راه رهبری توده‌ها به سمت انقلاب سوسیالیستی را تبیین می‌کند. فصل ۱۰ و فصل‌های بعدی اثر به سیاست اتحادهای طبقه کارگر، رابطه انقلاب بورژوا-دمکراتیک روسیه با جنبش انقلابی طبقه کارگر و ضرورت دیکتاتوری انقلابی-دمکراتیک کارگران و دهقانان می‌پردازد. لنین این ادعا را که گویا رویتزدانی بورژوازی از انقلاب باعث تضعیف انقلاب می‌گردد، رد می‌کند.

اندیشه‌های اصلی "دو تاکتیک"

سه اندیشه اصلی "دو تاکتیک" عبارتند از: ۱- هژمونی پرولتاریا در انقلاب بورژوا-دمکراتیک ۲- نقش طبقه کارگر در انقلاب

اثر لنین بنام "دو تاکتیک سوسیال دمکراسی در انقلاب دمکراتیک" نیز مانند "مانیفست حزب کمونیست"، "نقد برنامه کرتا"، "چه باید کرد؟" "چپ روی، بیماری کودکی در کمونیسم" و سایر آثار کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم از زمره دست‌نامه‌های تئوری انقلاب و راهنمای استراتژی و تاکتیک برای پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر است. لنین در آغاز یک دوران تاریخی نوین بر پایه ارزیابی همه جانبه و مشیارانه از موقعیت که اساساً تغییر یافته بود، پاسخهای نوین و راهگشایی برای مبارزه طبقه کارگر یافت.

لنین "دو تاکتیک" را در نیمه نخست ۱۹۰۵ نوشت. این اثر در اواخر ژوئیه از سوی انتشارات حزب سوسیال دمکرات کارگران روسیه در ژنو منتشر شد، و از آنجا که فضای اجتماعی در دوره اعتلای انقلاب موقتاً اشکال لیبرالی به خود گرفت، تجدید چاپ این کتاب در پایتخت ۱۹۰۵ در خود روسیه دوبار امکان پذیر گردید. بدین ترتیب این اثر به سرعت به دست کارگران انقلابی روس رسید.

اثر دو تاکتیک نشان داد طبقه کارگر بین‌المللی در مرکز تحولات اجتماعی قرار گرفته است و از این امر نتایج عمومی تعیین کننده‌ای گرفت. با اینکه "دو تاکتیک" در وهله اول به منظور تعیین مشی حزب انقلابی کارگری روسیه در شرایط تاریخی مشخصی نوشته شد، دقیقاً به دلیل انتقال مرکز ثقل جنبش انقلابی کارگری به روسیه، مهمترین نتیجه‌گیریهای این اثر در مورد همه کشورهای جهان صدق می‌کند.

کنگره بلشویکها، کنفرانس منشویکها

وظیفه بلافصلی که لنین بانوشتن "دو تاکتیک" فراروی خود قرار داده بود، عبارت بود از تشریح تئوریک و سیاسی همه جانبه مصوبات کنگره سوم حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه. این کنگره، نخستین کنگره بلشویکی پس از انشعاب منشویکهای اپورتونیست بود و از ۱۲ تا ۲۷ آوریل ۱۹۰۵ در لندن تشکیل شد. ۲۴ نماینده با رای قطعی و ۱۴ نماینده با رای مشورتی در این اجلاس شرکت جستند. برای کنگره، هم از کمیته‌های حزبی بلشویکی و هم از کمیته‌های حزبی منشویکی دعوت به عمل آمد، اما منشویکها از شرکت در آن خودداری کردند و در ژنو کنفرانسی علیه این کنگره برپا ساختند. بدین ترتیب انشعاب حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه به دو جناح انقلابی و اپورتونیستی به لحاظ سیاسی و تشکیلاتی پایان پذیرفت. انقلاب بورژوا - دمکراتیک روسیه که از ژانویه ۱۹۰۵ روجه اعتلا بود، تاثیر نظریات تئوریک، تاکتیک و تشکیلاتی همه جریانهای سیاسی را آشکار ساخته تضادهای موجود را تشدید کرد. روال کنگره سوم حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در انطباق با این موقعیت

می‌سازد و بویژه بنا به خصوصیات کیفی نظیر سازمان یافتگی، انضباط و آگاهی، طبقه کارگر رهبری حزب انقلابی آبدیده در مبارزه کاملاً قادر است. می‌مونی را کسب کند، حفظ نماید و پیوسته گسترش دهد. نیروی طبقه کارگر روسیه از آن رو افزایش یافت که علیرغم ضعف کمی، در برخی مراکز که تمرکز و تراکم سرمایه به درجه بالایی رسیده بود، از نیروی زیادی برخوردار بود. این امر به ویژه در پترزبورگ و مسکو که سرنوشته سیاست کشور در آنجا رقم می‌خورد، صدق می‌کرد.

لنین در سال ۱۹۰۷ در مقدمه‌ای بر چاپ دوم کتاب خود به نام "رشد سرمایه‌داری در روسیه" نوشت: انقلاب روسیه کاملاً آشکار ساخت که نیروی پرولتاریای روسیه در حرکت تاریخ بسیار بیشتر از سهم او در کل جمعیت است. "با همه اهمیت که سهم عددی طبقه کارگر در کل جمعیت دارد، این امر تنها وجه تعیین کننده نیست. مسئله رهبری سیاسی در جامعه تنها از زاویه ویژگیهای اجتماعی یک طبقه و جایگاه او در نظام تولید اجتماعی قابل بررسی است. آنچه تعیین کننده است، پیوند ناگسستنی تولید بزرگ صنعتی و طبقه کارگر، یعنی محصول اجتماعی اصلی نیروهای مولده امروزین است."

مبارزه لنین با نظرات اپورتونیستی

در رابطه با هم‌مونی پرولتاریا، لنین به مقابله با آن نظرات تئوریک و سیاسی برخاست که موضع نیروهای طبقه‌ای را تحریف شده جلوه می‌دادند. این نظرات به سه دسته تقسیم می‌شدند: نظریات منشویکیا، دیدگاه‌های تروتسکیستی در آغاز شکل‌گیری آن و مواضع سوسیال رولوسپورها به مثابه نیرویی خارج از جنبش کارگری.

منشویکیا خصلت بورژوا - دمکراتیک انقلاب ۱۹۰۵ را ملحق می‌کردند و بدون توجه به شرایط نوین ناشی از آغاز دوران امپریالیسم، در این انقلاب نقش رهبری را برای بورژوازی قائل بودند. منشویکیا می‌گفتند ماهیت اجتماعی انقلاب تنها اجازه قدرت گرفتن بورژوازی را می‌دهد و بنا بر این باید از بورژوازی لیبرال پشتیبانی کرد. پس از آن، دهها سال طول خواهد کشید تا رشد سرمایه‌داری باعث شود طبقه کارگر اکثریت جمعیت را تشکیل دهد. تنها در آن هنگام پرولتاریا خواهد توانست مبارزه در راه کسب قدرت و برقراری سوسیالیسم را آغاز کند. منشویکیا دمکراسی را از لحاظ طبقه‌ای با بورژوازی لیبرال یکسان می‌گرفتند. لنین در "دو تاکتیک" می‌گوید به دمکراسی باید برخوردی انقلابی داشت. از نظر لنین، بهره‌گیری پیگیر از دمکراسی یعنی محدود نکردن آن به چارچوب تنگ اهداف بورژوا - دمکراتیک و پیشبرد مبارزه با چشمانداز به وظایف انقلاب آتی سوسیالیستی. این است مرز نظریات لنین با نظریات همه رفرمیستها.

تروتسکی و پارادوکس در حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه از این نظر دفاع می‌کردند که طبقه کارگر نمی‌تواند با بخشی از دهقانان اتحاد پایداری داشته باشد، بلکه در تضاد بنیادین با کل دهقانان قرار دارد. تروتسکی مدافع تر "تئوری انقلاب مداوم" بود که عبارت بود از اینکه انقلاب روسیه باید بنور مستقیم به انقلاب سوسیالیستی جهانی بیانجامد. تروتسکی مخالف سرخت تر لنینی دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک کارگران و دهقانان بود و شعار برپایی فوری دیکتاتوری پرولتاریا را می‌داد. لنین در "دو تاکتیک" تنها بطور حاشیه‌ای به این نظریات برخورد می‌کند، زیرا نقطه نظرات مزبور در انقلاب ۱۹۰۵ هنوز نقش عمده‌ای نداشتند.

سوسیال رولوسپورها (اس ارها) از ترکیب عمدتاً دهقانی جمعیت روسیه چنین نتیجه می‌گرفتند که به جای هم‌مونی پرولتاریا، باید "وحدت سه گانه" ای از روشنفکران، پرولتاریا و دهقانان، رهبری را بر عهده گیرد. اس - ارها معتقد بودند پیروزی

جنبش دمکراتیک دهقانی به برپایی "سوسیالیسم" خواهد انجامید. آنها قلب بندی طبقاتی در میان دهقانان را نادیده می‌گرفتند. در مقابل، لنین تاکید می‌کرد موفقیت انقلاب دهقانی به هیچ عنوان پیروزی سوسیالیسم نیست.

امروز نیز این امر اهمیت زیادی دارد که کمونیستها رابطه دیالکتیکی میان مراحل واسطه‌داری نهایی را عمیقاً دریابند و در عین تمرکز برکام ضروری بعدی، هدف نهایی راه‌رکز از نظر دور ندارند. مطلق کردن محتوای مرحله بلافاصله بعدی به همان اندازه مخرب است که مطلق کردن هدف نهایی و نادیده گرفتن یا انکار کردن کامهای بعدی.

دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک

مارکس، انگلس و لنین نشان دادند بازتاب فشرده هر انقلابی را باید در مسئله قدرت جستجو کرد. نظریه لنینی هم‌مونی طبقه کارگر در انقلاب بورژوا - دمکراتیک امکانات نوینی برای پاسخ دادن به مسئله ماهیت قدرتی که پس از سرنگونی تزاریم در روسیه می‌بایست برپا می‌گردید، فراهم آورد. انقلاب دمکراتیک پیگیر به رهبری طبقه کارگر با قدرت گرفتن طبقه بورژوازی که با استبداد تزاری در پیوند تنگاتنگ بوده، منافات داشت. از سوی دیگر، انقلاب روسیه یک انقلاب بورژوا - دمکراتیک بود و نه انقلاب سوسیالیستی. برپایی دیکتاتوری پرولتاریا هنوز در دستور کار نبود. می‌بایست اشکال گذاری برای قدرت پیدا می‌شد که در آن طبقه کارگر نقش تعیین کننده را داشته باشد. لنین برای نخستین انقلاب روسیه چنین قدرتی را "دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک کارگران و دهقانان" می‌نامید. این قدرت در وهله اول بر اتحاد طبقه کارگر با دهقانان استوار بود. میان این قدرت و حکومت بلامنافذ بورژوازی تفاوت وجود داشت، اما در عین حال این قدرت، هنوز دیکتاتوری پرولتاریا نبود. شیوه اعمال قدرت مزبور، سرکوب قهرآمیز ضد انقلاب مسلح و مسلح کردن طبقات انقلابی خلق است.

گذار به انقلاب سوسیالیستی

لنین، نظریه فراوویی انقلاب بورژوا - دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی را پایه گذاری کرد. این نظریه می‌گوید: در صورت وجود حداقلی از رشد اجتماعی - اقتصادی و میزان معینی از رشد تضاد طبقاتی بورژوازی و پرولتاریا، شرایط عینی برای یک روند انقلابی واحد موجود است. در این صورت، درجه رشد عامل ذهنی به شرط اصلی برای گذار از انقلاب دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی تبدیل می‌شود. لنین در مقاله "روش سوسیال دمکراسی نسبت به جنبش دهقانان" که بلافاصله پس از "دو تاکتیک" به رشته تحریر درآورد، نوشت: "... ما پس از انجام انقلاب دمکراتیک بلافاصله و درست به میزان نیروی خود که نیروی پرولتاریای آگاه و متشکل باشد انقلاب سوسیالیستی را آغاز خواهیم نمود. ما هوادار انقلاب پی در پی هستیم. ما در نیمه راه توقف نخواهیم کرد." (منتخب آثار بکجلدی به زبان فارسی، ص ۲۹۲).

این، سنگ بنای تئوری نوین لنینی در باره انقلاب سوسیالیستی است که با اندیشه هم‌مونی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک پیوند تنگاتنگ دارد. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ درستی این تئوری را نشان داد.

در دوران ما، به همان میزانی که طبقه کارگر به رهبری حزب خود هم‌مونی خود را در تحولات ضد امپریالیستی و دمکراتیک تحقّق بخشد، مسئله قدرت را به سود خود حل کند، وظایف دمکراتیک را پیگیرانه و تا به آخر انجام دهد و اتحاد مستحکم و گسترده‌ای با سایر طبقات و اقشار زحمتکش ایجاد

نماید، تحولات مزبور می‌توانند به انقلاب سوسیالیستی فراوریند.

در این میان، هیچ الگوی اجتناب ناپذیری از سلسله مراتب مراحل مختلف انقلاب وجود ندارد. انقلاب، مبارزه نیروهای به لحاظ اجتماعی زنده است که در شرایط عینی مشخص عمل می‌کنند و بنا به موقعیت، اشکال متفاوت یا ترکیب متفاوتی از اشکال مبارزه راه کار می‌گیرند.

در جریان گذار به انقلاب سوسیالیستی، دیکتاتوری انقلابی - دمکراتیک کارگران و دهقانان نیز تغییر ماهیت می‌دهد. لنین در "دو تاکتیک" می‌نویسد:

"دیکتاتوری انقلابی دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان هم مانند هر پدیده‌ای در عالم دارای یک گذشته و یک آینده است. گذشته آن - حکومت مطلقه سوازلت و ممتازیت است. در مبارزه با این گذشته، در مبارزه با ضد انقلاب "وحدت اراده" پرولتاریا و دهقانان ممکن است زیرا وحدت منافع وجود دارد.

آینده آن - مبارزه با مالکیت خصوصی، مبارزه کارگر روز مزد با صاحب کار و مبارزه در راه سوسیالیسم است. این‌جا وحدت اراده غیر ممکن است... یک سوسیال دمکرات مرکز و حتی یک لحظه هم نباید مبارزه تاکتیک طبقاتی پرولتاریا را در راه سوسیالیسم بر ضد دمکرات ترین و جمهوریخواه ترین بورژوازی و خرده بورژوازی از یاد ببرد." (همانجا، ص ۲۶۸، ۲۶۹)

"خلق" به چه معناست؟

تشریح لنین به مقوله "خلق"، طبقاتی است. باز هم به "دو تاکتیک" رجوع کنیم:

"سوسیال دمکراسی با حقانیت کامل بر ضد استفاده دمکراسی بورژوازی از کلمه مردم مبارزه کرده و می‌کند. سوسیال دمکراسی خواستار این است که با این کلمه تضادهای طبقاتی موجوده میان طبقات مختلف مردم برده‌پوشی نشود. سوسیال دمکراسی بدون چون و چرا در لزوم استقلال کامل طبقاتی حزب پرولتاریا اصرار می‌ورزد. ولی اگر سوسیال دمکراسی "مردم" را به "طبقات" تجزیه می‌کند برای این نیست که طبقه پیشرو در خود بتند، حدود خود را تنگ کند... بلکه برای این است که طبقه پیشرو بدون آسیب از تزلزل و ناپایداری و بی تصمیمی طبقات بینابینی بتواند با انرژی بیشتر و با شور بیشتری در راه آرمان تمام مردم و در راس تمام مردم مبارزه کند." (همانجا، ص ۲۷۸)

لنین، "خلق" را شامل آن طبقات و اقشاری می‌داند که در شرایط موجود تاریخی حامل توان ترقیبخواهی باشند. در میان آنها، پرولتاریا و دهقانان نیروی تعیین کننده است و خرده بورژوازی شهر و روستا نیز به علت اشتراک وضع اجتماعی، منافع و شیوه زندگی با این نیرو پیوند دارد.

تکامل خلاق آموزش مارکس و انگلس

"دو تاکتیک" کام‌مهمی در تکامل خلاق آموزش مارکس و انگلس محسوب می‌شود. این اثر جزئی تفکیک ناپذیر از جهان بینی طبقه کارگر است. نگارش "دو تاکتیک" نه تنها یک کار بزرگ تئوریک، بلکه همچنین بخش مهمی از فعالیت عملی لنین در رهبری انقلاب ۱۹۰۵-۷ است. با اینکه این انقلاب به شکست انجامید، اما مثل تحولات عظیمی در جنبشهای انقلابی اولیه، حاضر در ایران، ترکیه، چین و هند شد. آثار نخستین انقلاب روس دانسته خود را تا اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا نیز گسترش داد.

تئوری لنین انقلاب سوسیالیستی که بنیاد آن با "دو تاکتیک" نهاده شد، مبنای علمی تحولات انقلابی دوران ما را تشکیل می‌دهد. تجربه کمونیستها، برغناهی این تئوری می‌افزاید.

انترناسیونالیسم و سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران (اقلیت)

نشریه ارگان مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) در شماره ۲۰۵ طی مقاله‌ای با عنوان "متحدین پرولتاریای ایران در عرصه بین‌المللی" نوشته است:

"واقعیت این است که امروزه در مقیاس جهانی مبارزه همه‌جانبه‌ای میان نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در جریان است. در یکسو نیروهای قرارداری که در جهت تحولات انقلابی و دوران ساز عصر کنونی مبارزه می‌کنند و در سوی دیگر نیروهایی که پاسدار نظم کهنه و ارتجاعی اند. در یکسو اردوگاه کشورهای سوسیالیستی، پرولتاریای کشورهای امپریالیستی و جنبش‌های پخش خلقهای تحت ستم و سلطه قرار دارند و در سوی دیگر اردوگاه امپریالیسم، کلیه دولتهای مرتجع کشورهای تحت سلطه و عموم مرتجعین و وابستگرایان جای دارند."

در این مقاله تأکید گردید که ما "موظفیم در همه‌جا اردوگاه، سوسیالیسم را متحد خود بشناسیم" و خواسته شد که "رفقای هوادار سازمان باید در کلیه فعالیتهای انقلابی خود از این سیاست خارجی سازمان متابعت نمایند." در ضمن در همین مقاله خاطر نشان گردید که "در میان برخی از نیروهای هوادار سازمان درک نادرستی از سیاست خارجی سازمان وجود دارد که ناشی از عدم درک صحیح از انترناسیونالیسم پرولتاری است."

لازم به ذکر است که به رغم این تسکيدات ارگان مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، نشریه "جهان" که با عنوان "نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور" منتشر می‌شود، همچنان به تبلیغات علیه اردوگاه سوسیالیستی و دیگر نیروهایی که "در جهت تحولات انقلابی و دوران ساز عصر کنونی مبارزه می‌کنند" ادامه می‌دهد. مثلا در آخرین شماره این نشریه (اسفند ۶۵) مسئولین دولتی کشورهای سوسیالیستی "سرن رویونیسم" نامیده شدند. و با در شماره بهمن ماه ۶۵ همین نشریه، اتحاد شوروی به عنوان مسئول تهاجم اهل به رزمندگان فلسطینی در لبنان و انمود گردید!

اعدام دو پیشمرگه خلق کرد

در شماره ۱۷۲ "بولتن خبری کردستان ایران" آمده است که کاک صالح امینی، یکی از پیشمرگه‌های حزب دمکرات کردستان ایران، پس از یکسال تحمل شکنجه در زندان‌های رژیم، در شهر سقز اعدام شد.

در همین شماره این نشریه خبر اعدام پیشمرگه دیگری بنام محمد سعودرجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق طی یک سخنرانی در آغاز سال جاری در عراق، بروز تغییراتی در ترکیب اعضا رهبری این سازمان را اعلام داشت. وی رویدادهایی که منجر به بروز این تغییرات گردیده را "انقلاب ایدئولوژیک دوم" نامید.

تغییرات گسترده در کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق

به جایگاه کنونی تشکیل‌دهنده ۲۷ تن از اعضای پیشین رهبری سازمان مجاهدین شده است.

در لیست اعلام شده رهبری تازه سازمان مجاهدین خلق عده‌ای از اعضای سرشناس و قدیمی دفتر سیاسی این سازمان از قبیل علی زکری، محمود احمدی، احمد حنیف نژاد، مهدی خدایی صفت و حسن مهربانی دیده نمی‌شوند.

سعودرجوی در سخنرانی خویش علت معینی را برای این جابجایی گسترده در سطح ارگانهای عالی رهبری سازمان مجاهدین ذکر نکرده است و تنها اعلام داشت که "در دوره دوم انقلاب ایدئولوژیک بحث بر سر انطباق و وحدت فرد با مسئولیتش است." همچنین روشن نشده است که بدنبال انحلال دفتر سیاسی و مرکزیت سازمان مجاهدین خلق، کدام شخص و یا ارگان، اعضای تازه هیات اجرایی را بر کار کرده است.

"نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج کشور" که بمثابة ارگان اصلی سازمان مجاهدین انتشار می‌یابد در شماره ۸۷ ضمن اعلام این خبر، اسامی ۵۱ تن را بعنوان اعضای هیات اجرایی (عالی‌ترین ارگان رهبری این سازمان) معرفی کرده است. این ارگان تازه پس از انحلال دفتر سیاسی و مرکزیت سازمان مجاهدین خلق (که کل تعداد اعضای آن ۷۱ نفر بود) ایجاد گردیده است. در نوشته "نشریه اتحادیه..." هیچ اشاره‌ای

در دیماه ۱۳۶۵ جبهه ملی ایران در اروپا کنگره خود را برگزار کرده است. گروهی از رهبران جبهه ملی و با شخصیت‌های نزدیک به آن برای این کنگره پیام فرستاده‌اند که اسامی برخی از آنها چنین است: کریم سنجابی، تیسار احمد مدنی، حسن نژی، ابوالحسن بنی‌صدر و... نشریه "ایران آزاد" در توصیف این کنگره عنوان "تلاشی پرشور و موفقیت آمیز" را برگزیده

بن بست جبهه ملی

است. اما در بازتاب مباحثات کنگره بی‌سرانجامی این تلاش را ضمن بررسی سخنان کامبیز روستایی از رهبران جبهه ملی منعکس کرده است. این نشریه در تفسیر سخنان نامیدانه این شخص نسبت به فرجام کار و راه جبهه، نوشته است که وی "به بن بست رسیده است. اما این بن بست دستاورد بزرگی بود، راهی بود واقع بینانه و حاصل سالها..."

انتشار یک روزنامه تازه

آقای رضا مرزبان سردبیر سابق "پیغام امروز" در پاریس اقدام به انتشار نشریه هفتگی جدیدی بنام "برای آزادی" کرده است. در نخستین شماره این نشریه که در ۴ اسفندماه ۱۳۶۵ منتشر گردیده، آمده است که: "برای آزادی "باتمام گروه‌های سیاسی معتقد به آزادی و

امید آن داریم که این روزنامه بتواند در انجام چنین وظیفه‌ای موفق گردد.

راه کارگر:

تشکل حول نقاط مشترک

"ضرورت سازماندهی پناهندگان و مهاجران در خارج از کشور" عنوان مقاله‌ای است که در شماره ۲۶ نشریه راه کارگر درج شده است. در این مقاله برخی مبنای پایه‌ای برای کار دمکراتیک مورد پذیرش قرار گرفته است. در این مقاله تأکید گردیده است: "برای آنکه مهاجران و پناهندگان ایران بتوانند متشکل شوند، بایستی قانون عمومی سازماندهی را رعایت کنند. یک سازماندهی موفق تنها در صورتی امکان پذیر است که عناصر تشکیل دهنده آن بر پایه منافع و نقاط مشترکشان گردم آیند و نه بر مبنای نقاط اختلاف و نقاط تمایزشان از یکدیگر."

در این مقاله همچنین تصریح شده است که "باید توجه شود که تشکلهای پناهندگان و مهاجران، تشکلهای غیر حزبی هستند که کلیه پناهندگان و مهاجران را صرف نظر از گرایشات ایدئولوژیک و تعلقات حزبی آنها در برمی‌گیرند. معنای غیر ایدئولوژیک و غیر حزبی بودن، حذف و سلب ایدئولوژی افراد عضو این تشکلهای نیست، بلکه به معنای این است که عضویت در این تشکلهای پذیرش ایدئولوژی معینی مشروط نمی‌گردد."

نشریه راه کارگر با تأکید بر این حقیقت که "جنبشی که وجود ندارد نمی‌تواند موضع گیری انقلابی بکند." بدرستی نتیجه می‌گیرد "اگر می‌خواهیم پناهندگان و مهاجران ایرانی به حمایت از خط مشی انقلابی برخیزند، در وهله اول لازم است آنها را از برآکنده کنونی برهانیم." و در ادامه آن با تأکید یکسویه بر این حقیقت که این کار "صرفاً از طریق قرار و مدارهای سازمانهای سیاسی" نمی‌تواند صورت پذیرد، بنادرتی کوشش میشود که وظایف سازمانهای سیاسی برای اقدام مشترک در این راستا مسکوت بماند.

اگر چه در این مقاله کارکرد پیشین سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) مورد نقادی قرار نکرده است، اما باید امیدوار بود که از این پس در کارکرد فعالین این سازمان در خارج از کشور دگرگونی مثبت پدید آید و آنان بتوانند به سهم خویش در شکل گیری و تقویت تشکلهای دمکراتیک ایرانیان موثر واقع شوند.

استقبال بی نظیر مردم چکسلواکی از گارباچف

هفته گذشته میخائیل گارباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی برای یک دیدار دوستانه وارد چکسلواکی شد و مذاکراتی با رهبران حزب و دولت این کشور انجام داد. در نخستین روز سفر رهبر شوروی به چکسلواکی، صدها هزار تن از مردم پراگ استقبال پرشوری از میهمان خود به عمل آوردند. میخائیل گارباچف و گوستاو هوژاک رهبر چکسلواکی در مرکز شهر پراگ به میان مردمی رفتند که با ابراز احساسات پر شور خود پیوند عمیق خلقها و دولتهای دو کشور سوسیالیستی را به نمایش گذاشتند.

میخائیل گارباچف در جریان سفر خود به چکسلواکی پیشنهادی جدید در زمینه خلع سلاح ارائه نمود. ابتکار نوین اتحاد شوروی دایر بر آغاز مذاکرات پیرامون سلاحهای برد کوتاه است. گارباچف در سخنرانی خود در میتینگ که در پراگ برگزار شد، گفت مذاکرات درباره سلاحهای برد کوتاه در اروپا می تواند بدون ارتباط با سلاحهای میان برد صورت گیرد. رهبر شوروی افزود در جریان مذاکرات پیرامون سلاحهای برد کوتاه دو طرف نباید دست به افزایش شمار این سلاحهای بزنند.

جرج شولتز وزیر امور خارجه آمریکا برای مذاکره با مقامات دولت شوروی وارد مسکو شد. در گفتگوهای شولتز در مسکو، مسئله خلع سلاح موضوع اصلی است. کنادی کراسیوف، سخنگوی وزارت امور خارجه شوروی در آستانه سفر شولتز گفت دولت شوروی هر آنچه در توان دارد انجام خواهد داد تا سفر شولتز به نتایج و پیشرفت های معینی بیانجامد.

پیش از سفر شولتز به اتحاد شوروی، دولت ریگان جاروونچال گسترده ای پیرامون استراق سمع ادعایی از ساختمان سفارت آمریکا در مسکو به راه انداخت. وزارت امور خارجه شوروی ضمن رد این ادعا، تبلیغات مزبور را کوشی در جهت بی ثمر گذاشتن مذاکرات مقامات اتحاد شوروی و آمریکادر جریان سفر شولتز دانست.

● درگیریهای میان شبه نظامیان امل و رزمندگان فلسطینی مدافع اردوگاههای برج البراجنه و شتیلا در حومه بیروت از سر گرفته شد. تا به حال درگیریهای مجدد بیروت به کشته شدن عده ای انجامیده است. از شمار دقیق قربانیان اطلاعاتی در دست نیست. محاصره غذایی اردوگاههای فلسطینی توسط امل باعث رنج بردن ساکنان اردوگاهها از گرسنگی شده است. عکس، دو کودک فلسطینی را نشان می دهد که پس از روزها گرسنگی، با مقداری لوبیا خود را سیر می کنند.



مخالفت مردم آرژانتین با سفر پاپ

نمایندگان مجلس را که به قانونی شدن طلاق رای دهند تکفیر کرده است.

پاپ که اینگونه در جزئی ترین مسائل مربوط به سیاست داخلی یک کشور اظهار نظر می کند، در جریان سفر خود به شیلی از محکوم کردن جنایات رژیم پینوشه اجتناب ورزید. همانگونه که در شماره پیشین "اکثریت" گزارش دادیم، در جریان بازدید پاپ از شیلی تقاضاهای اعتراضات کسترده ای علیه رژیم پینوشه صورت گرفت. طی دو روز پیش از عزیمت پاپ از شیلی به مقصد آرژانتین، پلیس پینوشه با حمله به تقاضات مردم ۶۰۰ تن را منحصر کرد. در جریان سخنرانی پاپ در پراگ مرکزی سانتیاگو که با حضور صدها هزار تن برگزار شد، شعارهای اپوزیسیون در میان جمعیت دیده می شد. پلیس در نزدیکی تریبون پاپ با گاز اشک آور و ماسک های آتیش به مردم حمله ور شد. فریادهای مدام "پینوشه قاتل است!"، "آزادی، آزادی!" و "سزای باد استبداد" در خیابانهای اطراف طنین افکن بود. پلیس ۲۷ تن را دستگیر کرد. سه نفر به ضرب کلوله پلیس مجروح شدند.

پاپ رهبر کاتولیکهای جهان پس از پایان دیدار خود از شیلی وارد آرژانتین شد. سفر پاپ به آرژانتین در شرایطی صورت گرفت که مردم این کشور بگونه ای فزاینده از کلیسای کاتولیک رویگردان می شوند. طبق نظرسنجی هایی که در آستانه سفر پاپ به آرژانتین انجام گرفت، اکثریت مردم این کشور با مخالف سفر پاپ اند و یا در قبال آن بی تفاوتند. خبرگزاریهای غربی علت این مخالفت را "نقش کلیسای کاتولیک در دوره دیکتاتوری نظامی از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۲" دانسته اند. سازمانهای حقوق بشر آرژانتین همواره همدستی کلیسای کاتولیک این کشور را با رژیم های نظامی محکوم کرده اند. روحانیت کاتولیک آرژانتین دارای ارتجاعی ترین مواضع در میان روحانیت کاتولیک آمریکای لاتین است.

پاپ ژان پل دوم چهارشنبه گذشته هنگام مرعته در کوردوبا (آرژانتین) با لایحه قانونی شدن طلاق در آرژانتین مخالفت کرد و بدین ترتیب دست به مداخله علنی در امور داخلی کشور میزبان خود زد. کلیسای کاتولیک آرژانتین از هم اکنون آندسته از

اخبار کوتاه

● در بلندیهای جولان و کرانه غربی رود اردن درگیریهای شدیدی میان پلیس اسرائیل و ساکنان عرب مناطق اشغالی روی داد. در بیت المقدس تظاهرات به حمایت از ۲ هزار زندانی فلسطینی که در زندانهای اسرائیل دست به اعتصاب غذا زده اند، صورت گرفت. در بلندیهای جولان پلیس و ارتش اسرائیل علیه تظاهرات مردم در اعتراض به تخریب مجسمه سلطان النراش، قهرمان ملی سوریه توسط صهیونیستها وارد عمل شدند.

● دولت موزامبیک اعلام کرد نیروهای مسلح این کشور ظرف سه ماه بیش از ۲۲۰۰ ضد انقلابی مورد حمایت آفریقای جنوبی را به هلاکت رسانده و چندین شهر و روستا را آزاد ساخته اند. در اعلامیه دولت موزامبیک آمده است نیروهای مسلح زیمبابوه و تانزانیا در این عملیات به ارتش موزامبیک یاری رسانده اند.

دولت پرتغال سرنگون شد

پرتغال در لیسبون برکنار شد. سیاستهای دولت سیلوا برای مردم پرتغال عواقب فاجعه باری به همراه داشته است. شمار بیکاران پرتغال به ۵۰۰ هزار تن رسیده است. بسیاری از کارگران در مشاغل استخدام می شوند که دست کارفرمایان برای اخراج آنان کاملاً باز است. شمار این گروه از زحمتشان به یک میلیون تن می رسد. حزب کمونیست پرتغال اعلام کرده است که خواهان تشکیل یک دولت دمکراتیک در چارچوب پارلمان فعلی است. کمونیستهای پرتغال خاطر نشان ساخته اند که در صورت تشکیل دولتی از سوی حزب سوسیالیست و یا "حزب نو سازی دمکراتیک" از این دولت پشتیبانی خواهند کرد.

آینده سیاسی پرتغال در گرو تصمیم ماریوسوارش رئیس جمهور این کشور است. وی اختیار دارد که پارلمان را منحل سازد و سیاستمدار دیگری را مامور تشکیل کابینه کند.

دولت محافظه کار آنیبال کاواکوسیلوا نخست وزیر پرتغال بر اثر رای عدم اعتماد پارلمان این کشور سرنگون شد. پیشنهاد رای عدم اعتماد به دولت از سوی "حزب نو سازی دمکراتیک" به رهبری اینش رئیس جمهور پیشین پرتغال ارائه گردید و مورد پشتیبانی کمونیستها و سوسیالیستها قرار گرفت. سیلوا تنها آرای موافق حزب دمکرات مسیحی را به خود اختصاص داد و بدین ترتیب دولت وی با ۱۳۴ رای مخالف در برابر ۱۰۸ رای موافق ساقط گردید. با سرنگونی دولت سیلوا، پرتغال دچار یک بحران سیاسی داخلی شده است.

سرنگونی دولت ارتجاعی سیلوا بدنبال مبارزات دامنه دار کارگران و زحمتکش این کشور علیه سیاست اقتصادی و اجتماعی "حزب سوسیال دمکرات" (که از منافع سرمایه داری بزرگ دفاع می کند) صورت گرفت. بلافاصله پس از رای گیری در پارلمان، تظاهراتی به دعوت اتحادیه سندیکایی

در این هنگامه

«که زندانها از شبنم و شقایق سرشارند»

بیکرد، دستگیری، زندان، شکنجه، اعدام. این واژه‌های شوم، این واژه‌های سهمگین، در همه پیچیده‌ها، زمزمه‌ها و فریادهای مردم علیه رژیم خمینی جاری‌اند. چه آتشی در اعماق چشم‌ها شعله‌ور است. چه رنجی بر شیار جبین‌ها می‌دود. چه اندوه زرفی بر پهنای خاکسترین چهره مردم موج می‌زند! در این هنگامه خونین، عشق در هیئت شبنم و شقایق زبان به سخن گشوده است. عشق در هیئت پیشاهنگان خلق سخن می‌گوید تا در آتش و رنج و اندوه، درفش پیروزی برافروزد. در فنی که بر ویرانه‌های کاخ چماران برافراشته خواهد شد.

ضحاک چماران، از کاره‌های اسیرم می‌هراسد. او می‌اندیشد: آنگاه آسوده خواهم بود که «کاره‌های زمانه» در خون غرقه شوند. ما اما این «اندیشه» را در خون غرقه خواهیم کرد!

رژیم خمینی طی سال گذشته ۱۰۰۰ فدایی خلق را به زنجیر کشید. هزار فدایی خلق روانه شکنجه‌گاهها شدند و به خیل دهها هزار زندانی سیاسی منجمله فداییانی که از مدتها پیش تر در اسارت بودند، پیوستند.

فداییان در خارج از کشور طی هفته‌های اخیر در پاسخ به یورش متمرکز رژیم، نه‌جمله افشاگرانه جدیدی را به منظور بسیج افکار جهانیان در راه نجات زندانیان سیاسی و علیه رژیم ضد خلقی خمینی آغاز کرده‌اند. ما از همه نیروهای انقلابی ایران می‌خواهیم در این رزم برای آزادی آنان که «در جنگل بی‌بهار می‌سکندند» با ما همراه و متحد گردند. این نه تنها ندای فداییان و خواست مبارزین دربند که ضرورت این لحظه تاریخ میهن ما است.

همانگونه که در شماره پیش نشریه «اکثریت» نوشتیم، در این شماره گزارش‌هایی از اقدامات فداییان خلق در چند کشور جهان، در پشتیبانی از فداییان دربند و همه زندانیان سیاسی را منعکس می‌سازیم.

ایتالیا

* ۱۲۰ حزب، سازمان، سندیکای کارگری و... در دفاع از

زندانیان سیاسی ایران

روز دوشنبه ۱۰ فروردین فداییان خلق در شهر رم دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب که به منظور دفاع از جان فداییان اسیر و در اعتراض علیه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی ایران صورت گرفت تا روز جمعه ۱۴ فروردین بطول انجامید. محل اعتصاب یکی از مراکز سندیکای کارگری CGIL بود. بیش از ۱۲۰ حزب، سازمان، سندیکای کارگری و شخصیت آزادیخواه حمایت خود را از خواستهای اعتصابگران اعلام نمودند.

اعتصابگران در یک مصاحبه مطبوعاتی در آخرین روز اعتصاب غذا، خواسته‌های خود را مبنی بر قطع شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی، اعزام هیئتی برای بازدید از زندانهای جمهوری اسلامی و ملاقات و گفتگوی مستقیم با آنان بیان داشتند. فداییان در این مصاحبه اعلام کردند که سازمان فداییان خلق ایران «اکثریت» برای نجات جان فداییان اسیر و سایر زندانیان سیاسی ایران در اکثر نقاط جهان علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم خمینی افشاگری نموده و از بشریت آزادیخواه خواسته است که به دفاع از جان مبارزین اسیر برخیزند.

آمریکا

* شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را قطع کنید!

فداییان خلق در آمریکا طی تقاضاهاستاده‌ای در مقابل دفتر سازمان عفو بین‌الملل در شهر لس آنجلس خواهان قطع شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران و نیز در تقیبه در صفحه ۸

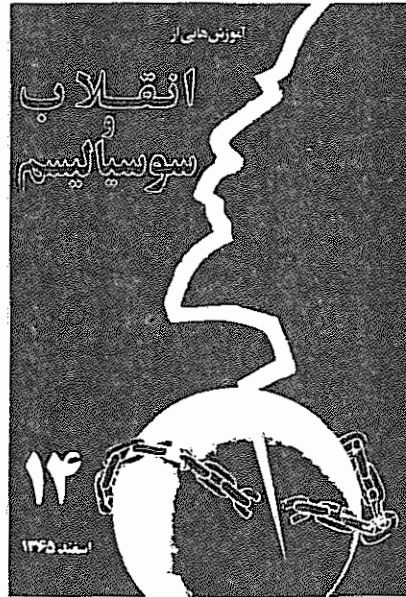
منتشر می‌شود:

دیباچه‌ای بر «دوقا تیک»

صفحه ۱۲ را بخوانید

منتشر شد:

شماره ۱۴ آموزش‌هایی از انقلاب و سوسیالیسم منتشر شد. در این شماره مقالات زیر به چاپ رسیده است:



- نخستین انقلاب خلق دوران امپریالیسم نوشته ویرا کلا دین
- مراحل انقلاب ما از "اوم سه بنزی" نشریه حزب کمونیست آفریقای جنوبی
- تجربه تاریخی انقلاب کوبا: جوانب عام و خاص از "زوباتکین و پاولنکو"
- اتحاد علیه استبداد: راه‌ها و اشکال مبارزه نوشته لویی کوروالان، دبیر کل حزب کمونیست شیلی
- بحث و تبادل نظر پیرامون ایدئولوژیک سانترا لیسیم دمکراتیک، از نشریه

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك (و یا معادل آن گوبین بین‌المللی پستی) به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه	<input type="checkbox"/> يك ساله
مارك ۱۳	مارك ۱۱			
» ۲۴	» ۲۱			

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "اکثریت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه	<input type="checkbox"/> شش ماهه	<input type="checkbox"/> يك ساله
مارك ۳۰	مارك ۲۷				
» ۵۸	» ۵۲				
» ۱۱۵	» ۱۰۲				

آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 152
MONDAY APR 13.87
Address: **RUZBEH**
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 0291070J - 650
DR. GERTRAUD ARTNER